

ISSN: 1735-4919

دوره شانزدهم
فروردین ۱۳۹۹
شماره پیاپی ۱۲۵
صفحه ۳۲
۲۶۰۰۰ ریال

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان و
دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
www.roshdmag.ir

رشد

مسئله ننگ



وزارت آموزش پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



قرآن و همه چیز یک مدرسه



زهره سفیدی
زمان کلاس را
وسعت بخشیم!



مصطفی اینانلو
تدریس شیرین
کلام وحی



امیرحسین کاکازاده
نوای خوش قرآن



مسعود وکیل
صریح و شفاف

سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ

از جانب پروردگاری مهربان به آنان {بهشتیان} سلام گفته می شود.

سوره یس، آیه ۵۸





نویسندگان و مترجمان محترم ما

این مجله متعلق به شماسست، تجربه های ناب، ایده ها و حاصل پژوهش های خویش را در اختیار دفتر مجله قرار دهید تا با انعکاس آن ها در مجله، علاقه مندان به این حوزه در تجارب شما شریک شوند. از شما عزیزان تقاضا داریم:

- مقاله هایی را که می فرستید، با موضوع مجله مرتبط باشد و در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- **مقالات، حاوی مطالب کلی و گردآوری شده نباشد.**
- مقاله ترجمه شده با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید فرمایید.
- نثر مقاله، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی، دقت لازم را مبذول فرمایید.
- در نگارش مقاله از منابع و مآخذ معتبر استفاده کنید و در پایان آن، فهرست منابع را بیاورید.



قرآن = زندگی

فریدالدین حداد عادل



سر دبیر

کم باشد، ضایعه‌ای بزرگ رخ داده است. اگر تعداد مدرسی که برنامه‌های متنوع و گسترده قرآنی در آن‌ها جریان‌ساز است کم باشد، با خسارتی بزرگ مواجهیم.

مؤمن متعهدی که براساس مبانی اسلام تربیت می‌شود، باید در سایه قرآن بزرگ شود و این امر به چیزهایی فراتر از فنون حفظ یا روش‌های قرائت و حتی مباحث پیچیده تفسیر نیاز دارد. باید همگی به دنبال مربیانی بگردیم که توانسته‌اند با فعالیت‌های تربیتی قرآنی، جو مدرسه‌ها را به دست گیرند و جریان‌ساز باشند. به نظر می‌رسد جامعه تربیتی ما به شدت محتاج اقدامات قرآنی است و از آن بیشتر، تشنه مربیانی است که با مشعل فروزان قرآن به میان جوانان بروند و محافل قرآنی را به جایگاه‌های هدایت مدرسه و راهبری جمع‌های جوانانه مدرسه‌ای بدل سازند. به امید روزی که مدارس بسیاری دارای نوآوری‌های تربیتی شگرف در عرصه قرآن باشند.

واقعیت این است که در شماره پیش رو ما به دنبال تعریف و تبیین این سه گزاره بودیم. ببینیم قرآن چگونه در زندگی دانش‌آموزی نقش ایفا می‌کند و فهم انسان قرآنی از زندگی چیست. به عبارتی، سبک زندگی دانش‌آموز قرآنی چگونه است تا بتوانیم نمایش دهیم که معلمان و مربیان قرآنی چگونه نوجوانانی متخلق و فردی معنوی تربیت می‌کنند و از قرآن و تعلیم قرآن برای حفظ فضای نوجوانانه افراد قرآن‌مدار بهره می‌برند.

اذعان می‌کنیم که موارد کمی از مصادیق برای آنچه در جست‌وجویش بودیم، به دست آوردیم و اعتراف می‌کنیم که این اتفاق ناملازم به خاطر ضعف ما در آشنایی با محافل فعال و مؤثر قرآنی است.

اما...

اما اگر واقعاً تعداد مربیان و محافلی که با کار قرآنی شروع می‌کنند و بعد، مربی به منجی و هادی دانش‌آموز بدل می‌شود

مراحل انس با قرآن

در تحقق جامعه قرآنی

از نگاه مقام معظم رهبری

سید مهدی موسوی نیا

دکترای علوم سیاسی، مدرس و پژوهشگر دانشگاه امام حسین (ع)

دکتر سعید جلیلیان

پژوهشگر دانشگاه امام حسین (ع)

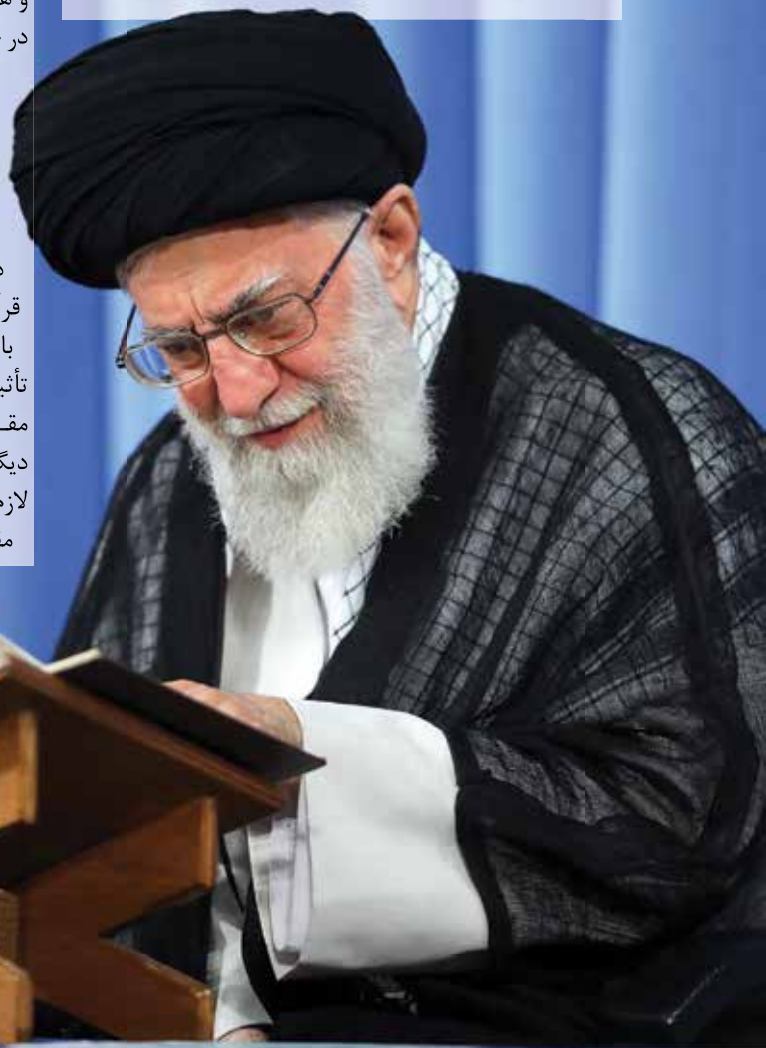
اشاره

یکی از مراحل پی‌ریزی تمدن اسلامی، شکل‌گیری کشور یا جامعه اسلامی است. رهبر انقلاب (دام‌الله) تأکید دارند، در جامعه اسلامی باید هدایت و معیارهای قرآنی مورد تبعیت

قرار گیرند. حتی در این مورد می‌فرماید: «هدف این است که ملت ما به معنای حقیقی کلمه قرآنی شوند. مگر می‌شود ملتی خود را مسلمان بدانند؛ اما قرآنی نباشند؟». از همین رو، با تأکید فراوان بر انس با قرآن کریم در راستای تحقق جامعه قرآنی و همچنین، ذکر مراحل برای پیاده‌سازی انس با قرآن کریم در جامعه، برای رسیدن به جامعه قرآنی رهنمون‌هایی بیان می‌کنند و از لزوم به‌وجود آمدن چنین جامعه‌ای سخن به میان می‌آورند: «عزیزان من، شما بدانید، برای اینکه ما جامعه‌ای به‌وجود بیاوریم که از لحاظ مادی، علمی و صنعتی دچار عقب‌ماندگی نباشد، پیشرو باشد و روی زندگی دنیا اثرگذار باشد و در عین حال از لحاظ معنویت دچار آفت‌های معنوی (که امروز غرب دچار آن است) نباشد، قرآن کریم و عمل به آن لازم است».

با توجه به این توضیحات، این سؤال مطرح می‌شود که نحوه تأثیر انس با قرآن کریم در شکل‌گیری جامعه قرآنی از دیدگاه مقام معظم رهبری (دام‌الله) به چه صورت است؟ به تعبیر دیگر، برای رسیدن به انس کامل با قرآن کریم، طی چه مراحل لازم و ضروری است؟

مقاله مورد بحث بیشترین تمرکز خود را بر بحث



مهوریت‌زدایی قرار داده و تنها بخش کوچکی از آن را به انس با قرآن کریم اختصاص داده است.

۱. انس با قرآن کریم

کلمه انس، تشکیل شده از همزه و نون و سین، یک اصل معنایی دارد و به معنای آشکار شدن چیزی است؛ چیزی که مخالف راه و روش توحش باشد. برخی آن را به معنای محبت که خلاف تنفر است گرفته‌اند. معنای دیگری که برای آن ذکر شده، آرامش است.

۱-۱. گروه هدف

مقام معظم رهبری (دام‌الله) معتقدند برای شروع انس با قرآن کریم باید صفای باطن و نفس پاکیزه داشت. به همین دلیل، سن جوانی و نوجوانی را بهترین زمان برای انس‌گیری با قرآن کریم می‌دانند. به همین دلیل، مقام معظم رهبری (دام‌الله) بهترین گروه را برای شروع انس با قرآن کریم، جوانان و نوجوانان می‌دانند. و بارها در کلامشان به این امر اشاره کرده‌اند.^۱

۱-۲. مراحل انس با قرآن کریم

ایشان در بیانات خود همواره از تمسک به قرآن کریم سخن گفته‌اند و در این باره مکرراً موضوع انس با قرآن کریم را مطرح کرده‌اند.

در زیر، مراحل انس با قرآن کریم که در نهایت منجر به تشکیل جامعه قرآنی می‌گردد، از کلام ایشان استخراج و

تبیین شده است.

قدم اول، آشنایی با متن قرآن کریم

از دیدگاه رهبر انقلاب، قدم اول برای عمل کامل به قرآن کریم، آشنایی با متن قرآن کریم است.

به عقیده ایشان، جان‌مایه این مرحله استمرار در کار است و انس با قرآن کریم در این مرحله پی‌ریزی می‌شود.

ایشان در مرحله روان‌خوانی بر تلاوت زیبا تأکید دارند. البته عقیده دارند نباید پرداختن به این امر، موضوع اصلی مراجعه به

قرآن کریم قرار بگیرد.

ایشان در مرحله درک (معنی و مفهوم قرآن

کریم به لزوم توجه به ترجمه قرآن کریم توجه دارند. به همین منظور، در توصیه به اعضای

هیئت دولت برای بهره‌گیری از قرآن کریم بیان می‌کنند: «آن‌هایی که ترجمه قرآن کریم را

می‌فهمند، با تدبیر به ترجمه نگاه کنند. آن‌هایی که ترجمه قرآن کریم را نمی‌فهمند، یک قرآن

کریم مترجم خوب (که الحمدلله زیاد هم داریم) کنار دستشان بگذارند و به ترجمه آن نگاه کنند.

ممکن است ده دقیقه وقت صرف کنید و یک صفحه یا دو صفحه بخوانید. اما هر روز بخوانید.

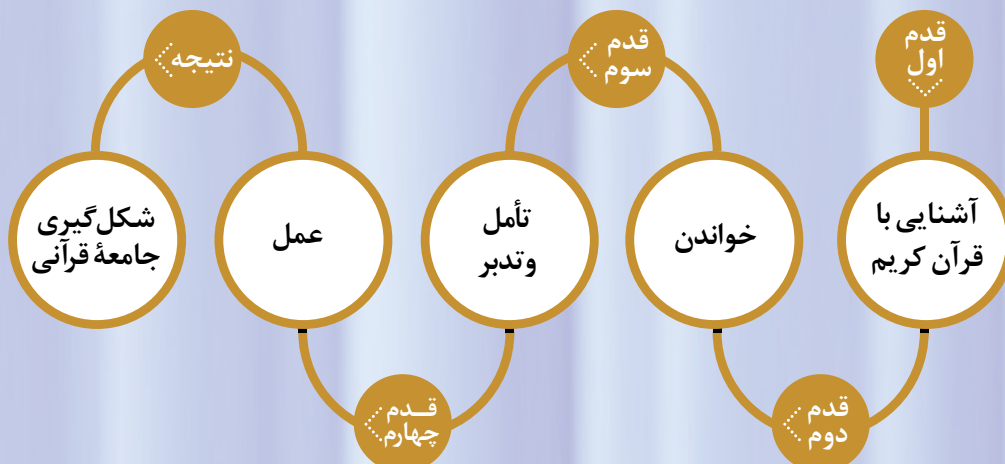
این را یک سیره قطعی برای خودتان قرار دهید. علامت بگذارید و فردا از دنباله‌اش بخوانید».

مقام معظم رهبری (دام‌الله) بهترین روش خواندن را حفظ قرآن کریم می‌دانند و بر این

موضوع تأکید فراوان دارند: «نکته آخر هم که باز تکرار است و مکرر ما این را عرض کرده‌ایم، حفظ قرآن کریم است. حفظ



برای شروع انس با قرآن کریم باید صفای باطن و نفس پاکیزه داشت. به همین دلیل، سن جوانی و نوجوانی بهترین زمان برای انس‌گیری با قرآن کریم می‌باشد



نمودار ۱. مراحل خواندن در انس با قرآن کریم

قرآن کریم یک نعمت بزرگ است. این جوان‌ها و نوجوان‌ها سن توانایی حفظ را قدر بدانند. شماها در سنی هستید که می‌توانید حفظ کنید و در ذهنتان بماند».

مرحله سوم: تدبر در آیات

تدبر از ریشه دبر به معنی عاقبت کار را دیدن است. تدبر الأمر، یعنی نظر کردن به عاقبت کارها و تأمل در آن و تدبر الکلام یعنی تأمل در معانی و بصیرت داشتن در آن. قرآن کریم در چهار آیه: ۸۲ نسا، ۲۴ محمد، ۲۹ ص و ۶۸ مؤمنون، به صراحت یا به‌طور تلویحی مردم را به تدبر در قرآن کریم امر کرده است. با توجه به آیات فوق، در اثبات لزوم تدبر در قرآن کریم از برهان استفاده می‌شود. مقدمه اول: قرآن کریم مردم را به تدبر در آیات قرآن کریم فرمان داده است. مقدمه دوم: بی‌گمان خدای حکیم و اولیای او به چیزی که نارواست فرمان نمی‌دهند. نتیجه: بنابراین، وجود این فرمان‌ها یا سفارش‌ها، دلیل روا بودن فهم ما از قرآن کریم است. البته برخی نیز گفته‌اند که تدبر در قرآن کریم واجب است.

قدم سوم از دیدگاه رهبر انقلاب (دام‌الله)، تدبر و تأمل در آیات قرآن کریم است. در واقع، اگر تدبر و تأمل به خوبی صورت گیرد، انس با قرآن کریم به هدف خود یعنی عمل قرآنی نزدیک خواهد شد.

مرحله چهارم: عمل

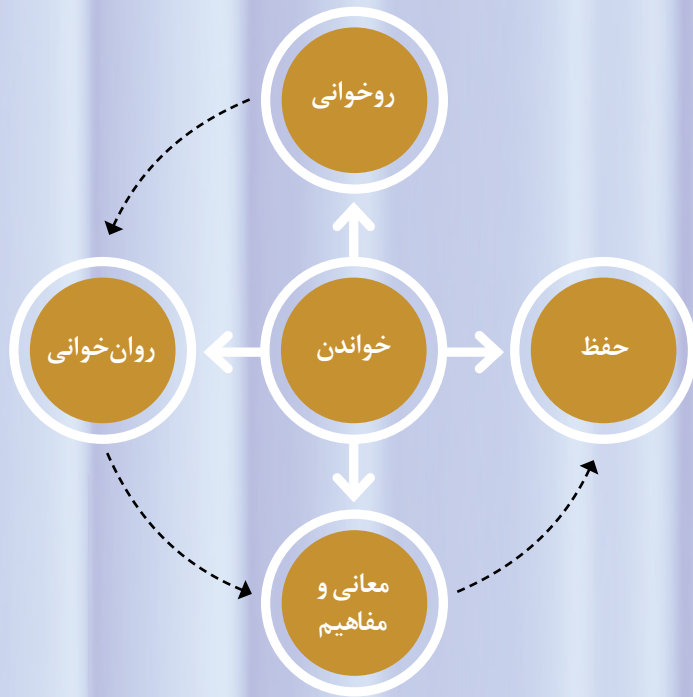
انس با قرآن کریم در بین اقشار مختلف جامعه رواج پیدا بکند، جامعه برای عمل به قرآن کریم نزدیک می‌شود. ما این را می‌خواهیم». ایشان برای قرآن کریم در جامعه اسلامی حقی قائل هستند و احقاق حق قرآن کریم را تنها در خواندن یا صرف دانستن مفاهیم و معارف قرآن کریم نمی‌دانند، بلکه حق کامل آن را در عمل به قرآن کریم می‌دانند.

۱- ۳. جامعه قرآنی

از طرف دیگر، رهبر انقلاب (دام‌الله) تأکید دارند، در جامعه اسلامی باید هدایت و معیارهای قرآنی^۱ مورد تبعیت قرار گیرند تا چنین جامعه‌ای شکل بگیرد و راه تحقق چنین جامعه‌ای اسلامی، قرآنی شدن جامعه^۲ است.

* بی‌نوشت‌ها

۱. ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۲۷؛ ۱۳۷۰/۱۱/۰۵؛ ۱۳۷۱/۱۲/۱۷؛ ۱۳۷۹/۰۸/۰۹؛ ۱۳۷۹/۰۳/۱۳؛ ۱۳۹۳/۰۴/۰۸؛ ۱۳۹۳/۰۳/۰۲؛ ۱۳۹۴/۰۳/۰۲.
۲. مقام معظم رهبری معتقدند، حتی دین، عقل سلیم و گفتار معصومان (علیهم‌السلام) معیارهای قرآنی هستند که باید در جامعه اسلامی ملاک پیروی و تبعیت باشند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۴/۱۹).
۳. جامعه قرآنی نیز جامعه‌ای انسانی است و تمام اجزا و عناصر جامعه انسانی را داراست اما صفت یا ویژگی خاصی، آن را از دیگر جامعه‌های انسانی متمایز



< نمودار ۲

کرده است. این صفت یا ویژگی همان «قرآنی بودن» آن است (نوربخش، ۱۳۸۶: ۲۴).

* منابع

- قرآن کریم
بیانات مقام معظم رهبری (دام‌الله):
۱. (۱۳۷۰/۱۲/۱۳) دیدار با اعضای «گروه ویژه» و «گروه معارف اسلامی» صدای جمهوری اسلامی ایران.
 ۲. (۱۳۷۱/۱۱/۰۵) جلسه اختتامیه مسابقات قرائت قرآن کریم.
 ۳. (۱۳۷۷/۰۹/۰۱) مراسم اختتامیه پانزدهمین دوره مسابقات قرآن کریم.
 ۴. (۱۳۷۸/۲/۲۲) دیدار دانشجویان شرکت‌کننده در مسابقات قرآن کریم.
 ۵. (۱۳۸۰/۱۰/۰۶) دیدار مسئولان نهضت سوادآموزی.
 ۶. (۱۳۸۴/۰۶/۰۸) دیدار اعضای هیئت دولت.
 ۷. (۱۳۸۵/۰۷/۰۴) دیدار قاریان شرکت‌کننده در بیست‌وسومین مسابقات بین‌المللی قرآن کریم.
 ۸. (۱۳۹۰/۰۳/۰۳) دیدار جمعی از شاعران و ذاکران اهل بیت (ع).
 ۹. (۱۳۹۲/۰۴/۱۹) محفل انس با قرآن کریم در روز اول ماه مبارک رمضان ۱۴۳۴.
 ۱۰. (۱۳۹۳/۰۳/۱۳) دیدار شرکت‌کنندگان در سی‌ویکمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم.

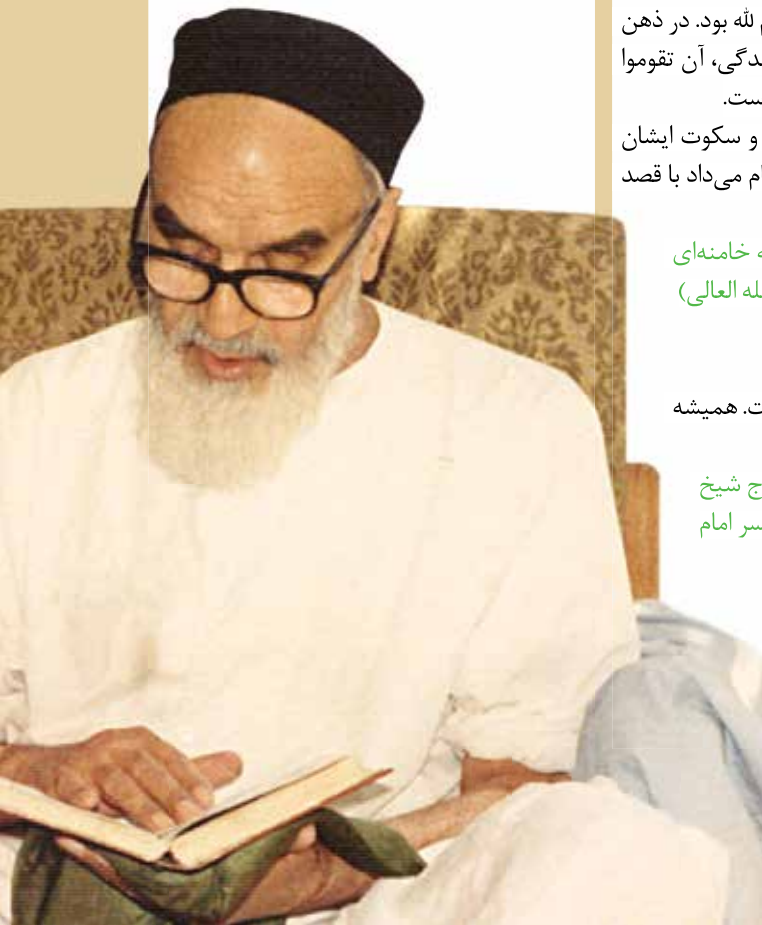
خاطراتی از انس امام (ره)

باققرآن

فریبا انجمنی

بار [از ایشان درخواست کردم تفسیری بنویسد. گفت: تفسیر را کسی باید بنویسد که در زندگی فقط یک هم و یک مقصد داشته باشد. من در وضع کثرت به سر می‌برم و اشتغالات مختلفی دارم.]

آیت‌الله جعفر سبحانی



«سال‌ها پیش، نوشته‌ی امام خمینی (ره) را در دفتر یادبود مرحوم وزیری در یزد زیارت کردم. آن مرحوم مرا به منزلش برد و آن نوشته را که در صندوقچه‌ای بود و در گوشه‌ای از خانه مخفی کرده بود، آورد.»

نوشته‌ی امام مربوط به سال ۱۳۳۲ بود. محور سخن در نوشته‌ی ایشان قیام لله بود. در ذهن شریف ایشان و در تمام مراحل زندگی، آن تقوموا لله مثنی و فرادی سابقه داشته است. همه دیدند که حرکت و گفتن و سکوت ایشان برای خدا بود. هر کاری که انجام می‌داد با قصد قیام لله بود.»

مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای
(مدظله العالی)

«امام علاقه خاصی به قرآن داشت. همیشه یک جلد قرآن نزدیکش بود.»

حجت‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسن ثقفی، برادر همسر امام

«امام خمینی (ره) به قرآن و تلاوت و تدبیر در معانی آن علاقه فراوانی داشت. [یک

«سرّ اینکه ایشان ملاقات‌هایش را در ماه مبارک رمضان تعطیل می‌کرد این بود که به دعا و قرآن برسد. می‌گفت: خود ماه رمضان، کاری است. ایشان می‌گفت: استادم مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی به من سفارش می‌کرد که سوره «حشر» را زیاد بخوانم. مخصوصاً آیات اواخر سوره را یعنی از آیه شریفه «یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد...» به مرحوم احمد آقا گفته بود: پسر، در این آیات تدبر و تفکر کن و آن [ها] را زیاد بخوان.»

آیت‌الله محمدرضا توسلی

«ایشان بعد از نماز شب تا هنگام نماز صبح و پس از نماز صبح قرآن می‌خواند. در هر فرصتی که بین کارها پیش می‌آمد قرآن می‌خواند. روزانه تا هشت مرتبه قرآن می‌خواند. ماهی یک مرتبه قرآن را ختم می‌کرد.»

حجت‌الاسلام و المسلمین محمد علی انصاری

«ایشان هر روز ماه رمضان (در نجف) ده جزء قرآن می‌خواند؛ یعنی هر سه روز یک دوره کامل قرآن می‌خواند. برادران خوشحال بودند که در ماه رمضان توانسته‌اند دو دور قرآن بخوانند. بعد فهمیدند که ایشان ده دور قرآن را ختم کرده.»

حجت‌الاسلام و المسلمین محمدرضا ناصری

«آقا از ساعت ۶ صبح به مدت نیم‌ساعت قدم می‌زد و پس از آن قرآن می‌خواند. بعد، صبحانه میل می‌کرد. در بین روز پس از پیاده‌روی مشغول خواندن قرآن می‌شد.»

پس از آن، وضو می‌گرفت و دوباره قرآن می‌خواند و سپس آماده نماز نافله می‌شد.»

دکتر زهرا مصطفوی، دختر امام

«در مکه در مجمع فقهای اسلامی در

لیست کتاب‌های تحریم

شده از کتابی به

زبان عربی نام برده

شده که درباره

بشارت‌های قرآن نسبت به انقلاب اسلامی ایران و امام منتشر شده است. در آن کتاب با تأویل و تفسیر از حروف ابجد، آیاتی از قرآن کریم بر انقلاب و شخصیت امام تطبیق داده شده بود. موضوع به اطلاع امام رسید. در پاسخ گفت: در قرآن هیچ‌گونه اشاره‌ای در این باب وجود ندارد. مسئولین باید از انتشار این‌گونه کتاب‌ها جلوگیری کنند.»

دکتر کمال خرازی

«برنامه قرائت قرآن ایشان عبارت بود از:

قبل از نماز صبح

بعد از نماز صبح

ساعت نه صبح

قبل از نماز ظهر

بعد از ظهر (پس از قدم زدن)

قبل از نماز مغرب

بعد از نماز عشا.»

سید رحیم میریان

«وقتی نجف بود، در ماه مبارک رمضان هر سه روز یک‌بار و زمانی که در جماران بود، به خاطر کهولت سن هر ده روز یک‌بار قرآن را ختم می‌کرد. در ایام سال ماهی یک بار قرآن را ختم می‌کرد. ایشان با قرآن مأنوس بود.»

یک جزء قرآن را هشت قسمت کرده و هر قسمت را در زمان خاصی می‌خواند.

گاهی روی یک جمله قرآن مکث می‌کرد.»

مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین سید احمد

خمینی

«دقایقی قبل از آماده شدن سفره، که معمولاً به

بطالت می‌گذرد، آقا قرآن تلاوت می‌کرد.»

حجت‌الاسلام مرتضی اشراقی، نوه امام

«در بیمارستان به ملاقات آقا رفتیم.

گفت: بیا بغل دستم، جلوی پا نایست.

و ادامه داد: اگر می‌توانی، روزی پنجاه آیه از

قرآن را بخوان.»

حجت‌الاسلام و المسلمین مسیح بروجردی،

نوه امام



«امام خمینی (ره) به قرآن و تلاوت و تدبیر در معانی آن علاقه فراوانی داشت. [یک بار] از ایشان درخواست کردم تفسیری بنویسد. گفت: تفسیر را کسی باید بنویسد که در زندگی فقط یک هم و یک مقصد داشته باشد. من در وضع کثرت به سر می‌برم و اشتغالات مختلفی دارم.»



تأثیر علاقه

به یادگیری در آموزش قرآن

مریم سادات مؤمن

کارشناس ارشد گفتاردرمانی، کارشناس علوم حدیث و مری قرآن

سیامک طهماسبی

دکترای روان‌شناسی بالینی و کارشناس علوم قرآنی

ولی هیجان‌ها در غیاب هر نوع تقویتی از طرف سائق‌ها، برانگیزنده‌هایی کافی هستند. سائق‌هایی که توسط هیجان تحریک نشوند، تأثیر کمی بر رفتار و هوشیاری ما دارند.

۲. سائق‌ها موقتی و از لحاظ کارکردی محدودند؛ در حالی که هیجان‌ها از نظر زمان و کارکرد همیشگی هستند. سائق‌ها از نظر زمانی محدودند و از یک الگوی موزون برانگیختگی پیروی می‌کنند.

۳. هیجان‌ها، برخلاف سائق‌ها، پیوسته در هوشیاری حاضرند و مرتباً از نظر کیفیت و شدت تغییر می‌کنند.

پس تا اینجا به این نتیجه رسیدیم که هیجان، عاملی مهم در رفتار پایدار و مؤثر ماست.

هیجان انواع مختلفی دارد. یکی از انواع آن، علاقه است که رایج‌ترین هیجان در عملکرد روزانه ماست. در سطح عصب‌شناختی، علاقه افزایش ملایم سرعت شلیک عصبی را به همراه دارد. وقایع محیطی (نظیر تغییر، تازگی و چالش)

در عصر حاضر، بسیاری از خانواده‌ها فرزندان خود را به آموزش و فراگیری قرآن تشویق می‌کنند و در مدرسه یا کلاس‌های خارج از مدرسه ساعاتی صرف آموزش قرآن به دانش‌آموزان می‌شود. حتی دیده شده است که از سنین بسیار کم بچه‌ها را به کلاس قرآن می‌برند و آموزش می‌دهند. حال این مسئله مطرح می‌شود که میزان و شیوه این آموزش‌ها چگونه باید باشد و یک معلم قرآن چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد تا این آموزش‌ها مؤثر و پایدار باشند. در واقع، از چه شیوه‌ای باید استفاده کرد تا یادگیری پایدار و لذت‌بخشی ایجاد شود.

همه انسان‌ها دارای یک نظام انگیزشی اولیه‌اند. تام کینز این فرض را مطرح می‌کند که هیجان، نظام انگیزشی اولیه محسوب می‌شود و عامل بسیاری از فعالیت‌های ما در زندگی است. هیجان بر سائق‌های دیگر مانند تشنگی یا پیشرفت برتری دارد و این از نظر کینز به سه دلیل است:

۱. سائق‌ها به تقویت شدن از جانب هیجان‌ها نیازمندند

افکار (نظیر یادگیری و موفق شدن) و اعمال اکتشافی، باعث افزایش فعالیت عصبی می‌شوند و علاقه را برمی‌انگیزند. چون علاقه بسیار رایج است، افزایش یا کاهش آن معمولاً موجب جابه‌جا شدن علاقه از یک واقعه، و فکر یا عمل کردن به واقعه، فکر یا عمل دیگر می‌شود. به عبارت دیگر، معمولاً شخص علاقه‌اش را از دست نمی‌دهد بلکه آن را به یک موضوع یا واقعه دیگر هدایت می‌کند؛ مثلاً از فضای حقیقی به فضای مجازی یا تلویزیون. اگر انسان‌ها در دنیایی یکنواخت و بدون تغییر زندگی می‌کردند، نیاز کمی به هیجان و علاقه بود. بر این اساس، به نظر می‌رسد که علاقه عامل مهم در یادگیری و ایجاد تغییرات پایدار است.

همه ما تجربه‌های مختلفی در زندگی داریم و می‌توانیم مواردی را مثال بزنیم که در آن‌ها یادگیری‌هایمان بدون آموزش و فقط براساس علاقه خودمان بوده است.

قرآن مهم‌ترین کتاب مسلمانان و تمامی آزادگان و حقیقت‌جویان جهان است. در مورد اهمیت و جامعیت معجزه‌های قرآن هر چه بنویسیم، کم است و زبان از بیان، قاصر. قرآن برنامه جامع برای تمام زندگی است و درباره همه

حوزه‌های موردنیاز بشر بدون مرز زمانی و مکانی سخن گفته است. «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است...» (التَّلْحِیْلُ/۸۹). «وَلَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ؛ و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز اینکه در کتابی آشکار ثبت است» (الأَنْعَامُ/۵۹). در روایات هم بر خواندن و حفظ قرآن، و تأمل در آن بسیار تأکید شده است. از جمله می‌توان حدیثی از

پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله - را نقل کرد که فرموده‌اند: «بی‌نیازترین مردم حافظان قرآن هستند؛ همان کسانی که خداوند متعال قرآن را در وجودشان جای داده است.»

بسیاری از والدین علاقه‌مندند که فرزندانشان قرآن را فرا گیرند و به کار ببرند. همین علاقه آن‌ها را به این سمت می‌کشاند که بچه‌هایشان را به کلاس‌های قرآن ببرند تا بتوانند این منبع فیاض الهی را حفظ کنند و به کار بگیرند.

در آموزش درسی به‌ویژه قرآن هم به نظر می‌رسد که عنصر علاقه بسیار پررنگ است. پس اگر معلم بتواند از علاقه دانش‌آموزان استفاده و توجه آن‌ها را جلب کند، مطمئناً موجب آثار پایداری می‌شود. در سال ۱۳۷۷ موج جدیدی از آموزش قرآن، به‌ویژه در زمینه حفظ، ایجاد شد. این موج بعد از آن به وجود آمد که چند نفر از کودکان که جزء نخبگان قرآنی بودند، مورد توجه رسانه‌های رسمی قرار گرفتند. در نتیجه، والدین علاقه‌مند، فرزندان خود را به کلاس‌های قرآن بردند تا بتوانند از این استعداد آن‌ها استفاده کنند. در این میان، مؤسسات زیادی تشکیل و افراد بسیاری به این امر مهم مشغول شدند اما این

روند صعودی آسیب‌هایی نیز به همراه داشت که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱. تناسب نداشتن بسیاری از این دوره‌ها با سطح توانایی و استعداد بچه‌ها؛ اغلب والدین مشتاق، بچه‌هایشان را از سن پایین تحت آموزش قرار می‌دادند و نیازهای سنی بچه‌ها را در نظر نمی‌گرفتند.

۲. فشار بیش از حد روی بچه‌ها؛ در برخی از دوره‌ها، کودکان در یک بازه زمانی کوتاه می‌بایست حجم بالایی از قرآن را حفظ می‌کرد. البته چند درصد از کل کودکان این توانایی را دارند اما توانایی یاد شده را نمی‌توان به همه کودکان تعمیم داد.

۳. تمرکز بسیار زیاد روی حفظ قرآن و توجه بسیار کم به جنبه‌های دیگر.

۴. بی‌توجهی به علاقه کودکان و در نتیجه، از دست رفتن تعداد زیادی از مخاطبان و علاقه‌شان به قرآن در سنین کودکی، به‌ویژه پیش از دبستان.

۵. نبود ارزیابی و نظارت مستمر بر مربیان و معلمان قرآن؛ در اکثر موارد، مدرسه‌های قرآنی مربیانی را با شیوه آموزشی خود تربیت می‌کردند اما نظارت مستمری بر آن‌ها نداشتند.

با توجه به مطالب بالا، باید شیوه‌ای را در پیش گرفت که آموزش مؤثر و پایدار باشد و کودکان تا عمق جان آن را درک کنند. بنابراین، معلمان باید روش‌های خاصی را ابداع کنند یا به کار گیرند؛ از جمله، برای ایجاد اثر پایدار، از افزایش علاقه در کودکان استفاده کنند. در زیر چند روش افزایش علاقه را مطرح می‌کنیم.

۱. از خاصیت برانگیختگی مطالب مختلف استفاده کنید؛ محرک‌های تازه، تعجب‌برانگیز و پرمعنی، سطح برانگیختگی را افزایش می‌دهند و سبب تحریک حس کنجکاوی یادگیرنده می‌شوند. برای مثال، می‌توان به ماجرای حضرت موسی اشاره کرد که خداوند ابتدا در آن با جزئیات، تولد و نحوه نجات یافتن حضرت موسی را شرح می‌دهد و به این نکته اشاره می‌کند که «او وحینا الی امّ موسی ان ارضیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیمّ و لا تخافی و لا تحزنی انا رادّوه الیک و جاعلوه من المرسلین» (قصص: ۷).

دانش‌آموز با شنیدن این موضوع، علاقه‌مند می‌شود ببیند که در انتها چه می‌شود و این کودک نجات پیدا می‌کند یا نه. نمونه عینی این مورد را می‌توان در کار آقای قرآنی مشاهده کرد که معلم قرآن است و با لهجه شیرین کاشانی مخاطب را جذب می‌کند. در عین حال، در کلاسش با استفاده از مثال و تمثیل قرآنی و خاطرات و داستان، بر تأثیر کلام خود می‌افزاید.

۲. مطالب و آموزش را از ساده به دشوار و از ملموس به انتزاعی ارائه دهید؛ مطالب درسی را به صورت متوالی از ساده به دشوار آموزش دهید تا بیشترین تأثیر یادگیری اتفاق بیفتد. مثلاً برای آموزش مفهوم حفظ امانت و اثر آن در زندگی، می‌توان از

علاقه عامل مهم در یادگیری و ایجاد تغییرات پایدار است

مفهوم عینی‌تر رضایت و نارضایتی دانش‌آموزان از دادن وسایل، خوراکی، کتاب و ... به دوستانشان استفاده کرد و آن‌ها را با مثال‌های عینی انس داد. سپس، مفهوم را گسترده‌تر کرد و گفت که خداوند چیزهایی مانند پدر و مادر، سلامتی، و دین را به ما امانت داده که لازم است آن‌ها را حفظ کنیم و شکر این امانت‌ها را به جا آوریم.

۳. هنگام آموزش مطالب تازه، از مثال‌های آشنا و هنگام کاربرد مطالب آموخته شده، از موقعیت‌های تازه استفاده کنید؛ وقتی مطالب تازه‌ای را به دانش‌آموزان می‌آموزید، آن‌ها را با استفاده از مثال‌ها و موردهای ملموس و آشنا به یادگیرندگان توضیح دهید. این اقدام به جریان یادگیری سرعت می‌بخشد و سطح علاقه‌مندی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. استفاده از موقعیت‌های تازه، از یکنواختی و کسل‌کنندگی مطالب می‌کاهد. در این مورد می‌توان به استفاده از داستان‌های مختلف در آموزش اشاره کرد؛ مثلاً داستان غذا دادن پنج تن آل‌عبا به فقیر، مسکین و اسیر را تعریف کرد و از خودگذشتگی را در آن شرح داد.

۴. علاوه بر توضیح و تکرار مطالب به‌طور کلامی، از روش‌های آموزشی دیگر نیز استفاده

کنید؛ استفاده از تکرار گروهی، بازی‌های آموزشی و وسایل کمک‌آموزشی موجب افزایش یادگیری می‌شود. مثلاً می‌توان یک مطلب را در قالب شعر ابتدا آموزش داد و سپس برای تثبیت یادگیری از پاننومیم یا نمایش استفاده کرد. حتی در آموزش موضوعی مثل نماز می‌توان مراحل مختلف نماز خواندن توسط دانش‌آموز را عکس‌برداری کرد تا هم ایرادهای احتمالی

مشخص گردد و هم انگیزه بیشتری برای یادگیری ایجاد شود. ۵. به دانش‌آموزان مطالبی را آموزش دهید که نه خیلی ساده و نه خیلی دشوار باشند؛ مثلاً داستان‌های قرآنی باید با سطح درک و سن کودک تناسب باشند و داستان‌هایی که مفاهیم انتزاعی بالایی دارند، باید در سنین بالاتر مطرح شوند.

برای نمونه، در داستان حضرت ابراهیم این امر باید بسیار لحاظ شود؛ چون هر قسمتی از این داستان متناسب با یک سن خاص و نوعی درک است. از جمله، مورد شکستن بت‌ها را می‌توان برای بچه‌های پیش‌دبستانی و دبستانی تعریف کرد یا گلستان شدن آتش، در سنین پایانی دبستان قابل درک است اما قسمت ذبح، مناسب دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم است که درک این نکته انتزاعی را پیدا کرده‌اند.

۶. حفظ شادابی و نشاط کلاس درس؛ باید شادابی دانش‌آموزان حفظ شود و برای این کار، لازم است شرایط زندگی و محدودیت‌های آن‌ها مورد توجه قرار گیرد. از افراد ضعیف حمایت شود و عدالت در رفتار با دانش‌آموزان برقرار گردد؛ مثلاً در مناسبت‌های مختلف به دانش‌آموزان هدیه‌های کوچک داده شود.

۷. استفاده از حواس مختلف در آموزش و حفظ قرآن؛ برای انتقال یک مفهوم یا حفظ آیات، از محرک‌های شنیداری، دیداری و لمسی استفاده کنید که باعث تثبیت یادگیری می‌شوند.

در پایان، تأکید بر این نکته لازم است که خداوند بهترین یاور در این مسیر است و مربی و متربی را یاری می‌کند؛ به‌خصوص اگر با نیت خالص به این مسیر قدم گذاشته باشند.

ادام
علاوه بر توضیح و تکرار مطالب به‌طور کلامی، از روش‌های آموزشی دیگر نیز استفاده از تکرار گروهی، بازی‌های آموزشی و وسایل کمک‌آموزشی موجب افزایش یادگیری می‌شود



صریح و شفاف

گفت‌وگو با مسعود وکیل، از مؤلفین کتاب‌های درسی آموزش قرآن

یونس باقری

ناظر مجلات تخصصی علوم انسانی



اشاره

مهندس مسعود وکیل از کارشناسان نام آشنا و دارای تجربه ممتد در عرصه آموزش قرآن کریم در کشور است. وی از ارکان اصلی مؤلفین کتاب‌های قرآن در وزارت آموزش و پرورش به‌شمار می‌رود (گرچه مدتی است بازنشسته شده است). او و آثار تألیفی‌اش را در مجامع قرآنی کشور می‌شناسند و کتابش با عنوان «آموزش مفاهیم»، به عنوان کتاب آموزشی مؤسسات قرآنی شناخته شده است.

جناب‌عالی وضعیت آموزش قرآن را در آموزش و پرورش چطور ارزیابی می‌کنید؟

خیلی خلاصه عرض می‌کنم: کمیت ساعت رسمی آموزش قرآن بحثی جدا دارد، اما برون‌داد آن چیزی شبیه به برون‌داد سایر دروس است. فکر می‌کنم نتیجه دروس ریاضی، فارسی، فیزیک، دینی و... در دوره ابتدایی یا در دوره اول متوسطه کشور براساس برنامه رسمی، با معدل درس قرآن در همین دوره‌ها و در همان سطح نزدیک به هم است و خیلی فرق نمی‌کند. البته در دوره متوسطه دوم بحث دیگری مطرح است.

یعنی آموزش قرآن هم مثل سایر درس‌ها وضعیت خوبی ندارد؟

به عبارت دیگر، با توجه به انتظار اجتماعی که برای آموزش قرآن که وجود دارد و ما نمی‌توانیم نسبت بدان بی‌تفاوت باشیم، این انتظار با وضعیت موجود در آموزش و پرورش برآورده نخواهد شد. مگر اینکه اتفاق خاصی بیفتد یا کارهای ویژه‌ای انجام شود. اگر بدان برسیم و برسید، توضیح خواهیم داد.

یعنی شما می‌فرمایید درس قرآن در حاشیه دروس دیگر قرار گرفته است و عزم جدی برای توجه به درس قرآن نیست؟

تقریباً همین‌طور است. در این زمینه عزم جدی وجود ندارد. هر بخشی کارهای معمولی‌اش را انجام می‌دهد و ممکن است خوب، متوسط یا ضعیف باشد. اما انجام کار خاص حتماً عزم مدیران ارشد را می‌طلبد. حتماً باید حرکت از بالا به پایین باشد تا نتیجه در خوری داشته باشد.

شما معدل عملکرد آموزش و پرورش را در تمام

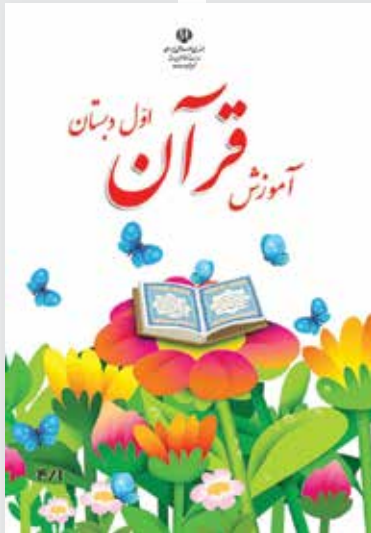
آموزش و پرورش می‌دانید؟ و روشن‌تر بگویم، چطور کار خودتان را نقد می‌کنید؟

□ ابتدا به کلام شما بپردازم که فرمودید سراغ هر کس می‌رویم، مشکل را گردن دیگری می‌اندازد. متأسفانه این روال عمومی جامعه است که هر کس به اصطلاح توپ را در زمین دیگری می‌اندازد. برای جلوگیری از این کار پیش‌بینی‌هایی شده که از جمله آن‌ها ایجاد ارتباط و هماهنگی مسئولان اصلی این بخش‌ها با هم است. یعنی مسئول ارشد برنامه‌ریزی با مسئول ارشد نیروی انسانی و معاونان وزیر با هم به‌طور مدام ارتباط داشته باشند و کارها را هماهنگ انجام بدهند و پیش ببرند. بنده در طول دورانی که افتخار خدمت داشتم، به موضوع ایجاد ارتباط و هماهنگی همواره توجه کرده‌ام و همواره برای ایجاد ارتباط بین دفاتر پیشگام بوده‌ام. تا به جای انداختن مشکلات به گردن هم، بتوانند مشکلات

را بشناسند و درصدد رفع آن‌ها برآیند. به ویژه در پنج شش سال اخیر، سازوکار کارآمد و پرقدرتی برای حل این مشکل به وجود آوردیم. متأسفانه با وجودی که امکانات قابل توجهی هم برای رفع مشکلات فراهم شد، اما از این سازوکار استفاده نکردند. اگر بنده در خدمت شما به نبود عزم نزد مدیران ارشد انگشت می‌گذارم، تا حد زیادی مبتنی بر تجربه‌هایم در همین سال‌هاست. زیرا از امکان فراهم آمده، استفاده نشد.

به پرسش موردنظرتان برسم. ما در تهیه برنامه، به ویژه برای دوره ابتدایی، از باسابقه‌ترین کارشناسانی دعوت به همکاری کرده‌ایم که کاملاً با وضعیت دوره و معلمان آشنایی داشتند. این کارشناسان سوای اینکه در بخش تخصصی قرآن کارشناس بودند، در تولید

دروس مثلاً ۱۰ می‌دانید و اضافه می‌کنید، در این آموزش و پرورش با این معدل، نمی‌توانید انتظار معدل ۱۵ برای قرآن داشته باشید. □ بنده باور محکم به این نظرم دارم.



■ با معدل ۱۰ آموزش و پرورش در آموزش دروس، چه اتفاقی می‌افتد که ناگهان در دانشگاه و بعد از آن در برخی حوزه‌های مهم، مثل پزشکی، صنعت و امور نظامی، تحولی به وجود می‌آید؟

□ توجه کنید به این نکته: مگر چند درصد فارغ‌التحصیلان مدارس ما جذب دانشگاه، آن هم جذب رشته‌های مؤثر می‌شوند؟ نکته دیگر موردنظر شما این است که اگر وضع چنان باشد که بنده می‌گویم، نباید حتی در این بخش‌ها

نیز نتیجه کار رضایت‌بخش باشد. اتفاقاً اگر این دو مورد را کنار هم بگذارید، باز به آنچه بنده بیان کردم، می‌رسید. یعنی مگر چند درصد فارغ‌التحصیلان پزشکی می‌شوند؟ یا چند درصد تحصیل‌کردگان مدارس و دانشگاه‌های شما مهندس و اقتصاددان‌اند.

■ ما وقتی برای علت‌یابی چرایی توفیق کمتر در درس آموزش قرآن کریم، سراغ برنامه‌ریزان و مؤلفان می‌رویم، مجریان برنامه‌ها را مقصر می‌دانند و انگشت اشاره را به سمت مدیران مدارس می‌گیرند. سراغ مدیران که می‌رویم، معلمان را مقصر می‌دانند. معلمان هم به نارسایی‌های کتاب‌های تألیفی می‌پردازند. غرض بنده این است که هر کدام دیگری را مقصر می‌دانند. ما نمی‌خواهیم به این موارد بپردازیم، ولی سؤال ما به حوزه تصمیم‌گیری باز

می‌گردد که جناب‌عالی در این حوزه فعالیت کرده‌اید و تجربه دارید. شما به عنوان مؤلف کتاب درسی قرآن و برنامه‌ریز برای اجرای آموزش این درس، بفرمایید برنامه قصد شده را با عنایت به شناختی که دارید و بیان کرده‌اید، چقدر منطبق با واقعیات موجود در

عزم جدی و شناخت کارشناسانه و دقیق وجود ندارد؛ به ویژه که بخشی از آن عزم به شناخت باز می‌گردد. ضمن اینکه ما الگوی مشخصی هم نداریم. یعنی معلوم نیست از یک دانش آموز فارغ‌التحصیل در زمینه یادگیری قرآن چه چیزی می‌خواهیم. زیرا بسیاری از مدیران ارشد، از داشتن توانایی‌ها و شایستگی‌های قرآنی محروم‌اند.



این برنامه از ابتدا سهیم بود. خوش بختانه از ابتدای زمانی که آموزش قرآن وارد دوره ابتدایی آن هم با شرایط خاص شد، همه ساله برنامه جدید قرآن ارزیابی می شد و نتایج را پس از استخراج روی محتوای کتاب اعمال می کردیم. این کار فرصت خوبی برای متناسب سازی آموزش قرآن بود. و ما علاوه بر کتاب دانش آموز، کتاب راهنمای معلم، لوح های فشرده و دیگر امکانات آموزشی جانبی را تهیه می کردیم.

بیایم این کتابها و برنامه مورد نظر را در اختیار کارشناسان آموزش عمومی قرآن قرار بدهیم و از آنان بپرسیم: «اگر این کتابها را با توجه به محتوای موجود، در مدت شش سال، حداقل دو ساعت در هفته آموزش بدهیم، آیا آموزش گیرنده به اهداف قصد شده می رسد یا خیر؟»

■ شما آموزش مفاهیم قرآن کریم را در برنامه درسی گنجاندید. به نظر جناب عالی به هدف «درک معنا همراه با خواندن قرآن» چقدر دست یافته اید؟

□ خوش بختانه خودتان در جریان ارزشیابی صورت گرفته قرار دارید. در این مورد خاص، آقای آیت این تحقیق را روی دانش آموزان پایه دهم انجام داد. هر شش صفحه از قرآن را در اختیار یک دانش آموز قرار دادیم. این ارزشیابی هم خواندن و هم فهمیدن یا درک مفاهیم قرآن را می سنجد. یعنی قرآن ۶۰۰ صفحه ای را بین ۱۰۰ دانش تقسیم کردیم و بدین ترتیب از ۱۰۰ دانش آموز که به صورت اتفاقی انتخاب شده بودند، ارزشیابی به عمل آوردیم. اسناد آن موجود است و گزارش آن در مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی نیز چاپ شد.

نتیجه ارزشیابی به یک معنا

فراتر از حد انتظار ما بود. دانش آموزان حاضر در این ارزشیابی در خواندن صفحه هایی که در اختیارشان قرار گرفت، ۷۰ تا ۸۰ درصد (دقیق به یاد ندارم) از خود توانایی نشان دادند. یعنی صفحه های قرآن را درست خواندند و حدود یک سوم، عبارات این صفحه ها را معنا کردند (نتیجه این پژوهش به همراه مستندات آن در مجله رشد قرآن و معارف اسلامی چاپ شده است).



■ شورای عالی انقلاب فرهنگی، مسئولیت آموزش عمومی قرآن را به وزارت آموزش و پرورش سپرده است. شما این مسئولیت را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا کمکی به آموزش قرآن در آموزش و پرورش کرده است؟

□ اوایل صحبتیم به عدم استفاده درست از فرصت ها اشاره کردم، یکی همین جا بود. به نظرم در مجموع حق این فرصتی را که به آموزش و پرورش داده اند، ادا نکرده اند.

■ مقام معظم رهبری چند سال پیش در جمع معلمان فرمودند که قرآن در آموزش و پرورش حقیقتاً مهجور است، به نظر جناب عالی برای خروج قرآن از این مهجوریت، آیا می توانند به رهبری گزارش کار ارائه بدهند؟

□ آن مدیرانی که من می شناسم، به اندازه کافی سند و مدرک دارند که گزارش مثبت بدهند سالها پیش به این نتیجه رسیدم که یکی از توانایی های مدیران جامعه ما این است که قادرند، به این پرسش ها خیلی خوب پاسخ بدهند. حرف مقام معظم رهبری حداقل می تواند دو معنا داشته باشد. یکی اینکه

قرآن در برنامه ریزی کل آموزش و پرورش ما مهجور است که از بحث ما خارج است. دیگری این است که آموزش و پرورش در مدارس آیا موفق بوده یا نبوده است؟ آیا دانش آموزان با برنامه آموزشی کنونی می توانند قرآن را بخوانند و بفهمند و با قرآن انس پیدا کنند؟ می توانم بگویم قرآن در عرصه برنامه آموزش قرآن مهجور است. تا اینجا فقط درباره همین مهجور حرف زده ایم.



دانش آموزان حاضر در این ارزشیابی در خواندن صفحه هایی که در اختیارشان قرار گرفت، ۷۰ تا ۸۰ درصد (دقیق به یاد ندارم) از خود توانایی نشان دادند. یعنی صفحه های قرآن را درست خواندند و حدود یک سوم، عبارات این صفحه ها را معنا کردند



نگرش کودکان به قرآن و یادگیری آن!!

مسعود تهرانی فرجاد

رئیس گروه پیش دبستانی دفتر تألیف

اشاره

از دیرباز، همگان بر جایگاه و اهمیت تربیت دوران کودکی تأکید داشته‌اند. در کلام معصومین (ع)، ماندگاری آموخته‌های دوران کودکی به نقش روی سنگ تشبیه شده است. با توجه به این جایگاه، لازم است در برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های آموزشی و تربیتی دوره کودکی بسیار دقیق و به دور از افراط و تفریط عمل شود. این ضرورت در حوزه فعالیت‌های دینی و قرآنی بیشتر مورد تأکید است؛ زیرا تلقی‌ها و تجارب کودک در سال‌های اولیه زندگی پایه‌های اصلی بنای تربیت و نگرش او را تشکیل می‌دهند. بر این مبنا، دوست داریم تلقی کودکان از قرآن چه باشد؟ بهتر است کودک چه ذهنیتی نسبت به قرآن و یادگیری آن داشته باشد؟ آیا پاسخ این سؤالات تابع برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های قرآنی برای عموم کودکان نیست؟ و بالاخره کدام رویکرد و جهت‌گیری برای آموزش قرآن به کودکان اولویت دارد؟ در این نوشتار، به تأثیر انتخاب رویکردها و اهداف در فعالیت‌های قرآنی، بر نگرش کودکان نسبت به این کتاب آسمانی توجه شده است.

کلیدواژه‌ها: کودکان، فعالیت قرآنی، رویکرد، اهداف، پیامدها، لذت‌بخشی، علاقه‌مندی

در برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، رویکرد و اهداف - خواسته یا ناخواسته - بر همه عناصر اعم از محتوا، روش‌ها، ارزشیابی و دیگر مؤلفه‌ها تأثیر گذارند. رویکرد به نوعی روح حاکم بر برنامه و جهت‌دهنده به عناصر است؛ به طوری که مربی و معلمی که مجری برنامه آموزشی مورد نظر است، باید همواره تمام تلاش و فعالیت‌های خود را برای دستیابی به اهداف مشخص شده در راستای رویکرد آن برنامه قرار دهد و دقیقاً همسو با آن، نقش هدایت‌گرانه خویش را ایفا کند و همه عناصر برنامه را در جهت رویکرد مورد نظر به کار گیرد. در برنامه‌ها و فعالیت‌های قرآنی مدارس و بنویژه مؤسسات و مراکز خاص قرآنی، رویکردها و اهداف مختلفی مدنظر است. تا آنجا که هر مؤسسه یا مدرسه‌ای با توجه به جهت‌گیری‌ها و اهداف خود معرفی و شناخته می‌شود. رویکردهایی مانند «حفظ قرآن»، «آموزش روخوانی قرآن»، «انس با قرآن» و «آموزش مفاهیم قرآن» از جمله این نمونه‌ها هستند. بدیهی است که نتایج فعالیت‌های هر مرکزی معطوف به نوع رویکرد و اهدافی است که انتخاب کرده است؛ تا آنجا که به صورت پنهان و آشکار بیشترین تأثیر را بر نگرش مخاطب دارد. حال اگر این مخاطب کودک باشد، از حساسیت بیشتری برخوردار است.

کودکان براساس ویژگی‌های رشدی و سنی خود به‌ویژه در سنین اولیهٔ کودکی، اعم از پیش دبستان و ابتدایی، قدرت تشخیص قوی ندارند و آنچه را به آن‌ها ارائه می‌شود، بدون بررسی کمی، دریافت و ضبط می‌کنند. این ویژگی از یک سو فرصتی برای ارائهٔ برنامه‌های متعادل و مناسب قرآنی است، تا قبل از پُر شدن ذهن و نگرش کودک از آموخته‌ها و آموزش‌های نامناسب، از چنین برنامه‌هایی الهام گیرد. از سوی دیگر، برنامه‌ریزان را متوجه این مطلب می‌سازد که در صورت هدف‌گذاری نامناسب، جهت‌گیری آن برنامه‌ها طبیعتاً بر نگرش کودک تأثیرگذار خواهد بود. از این رو، تأثیر پیامدهای رویکرد بر نگرش کودک به‌ویژه در سال‌های اولیه و به عبارتی در دورهٔ پیش‌دبستان - که پایه‌های ذهنی او را برای یک عمر شکل می‌دهد - موضوعی نیست که بتوانیم بدون توجه از آن بگذریم. کدام رویکرد و چه اهدافی؟

در هر برنامهٔ آموزشی و تربیتی علاوه بر امکان تحقق، باید به ضرورت‌ها، اولویت‌ها و پیامدهای آن نیز توجه شود. به عبارت دیگر، در منطق برنامه‌ریزی، به‌ویژه برای کودکان، همیشه این سؤال مطرح است: آیا دستیابی به هر هدف و پایبندی به هر رویکرد و جهت‌گیری در آموزش که امکان تحقق دارد، اولویت و ضرورت هم دارد؟ برای پاسخ دادن به این سؤال اساسی، در برنامه‌ریزی فعالیت‌های قرآنی، آن هم برای کودکان، باید بسیار دقیق‌تر عمل شود و جوانب و پیامدها مورد توجه جدی قرار گیرند. انتخاب رویکرد اصلی‌ترین گامی است که در برنامه‌ها و فعالیت‌های قرآنی در سنین کودکی باید مورد توجه قرار گیرد. این امر منجر به تلقی مناسب عموم کودکان نسبت به قرآن در دورهٔ حساس و بنیادین سنی ایشان خواهد شد. معمولاً در اغلب مؤسسات و مراکز قرآنی که به‌طور مشخص رویکرد آموزش روخوانی یا حفظ قرآن را دارند، برای رسیدن کودکان به توانایی روخوانی کل قرآن یا حفظ این کتاب آسمانی - خواسته یا ناخواسته همهٔ عناصر برنامه، اعم از محتوا، روش، ارزشیابی و...، به‌ویژه نگرش کودک به هم‌سویی با رویکرد و اهداف مورد نظر معطوف می‌شود. در شیوه‌های روخوانی‌محور و حفظ‌محور، حد انتظار این است که کودکان به آنچه مورد نظر رویکرد و جهت‌گیری برنامه است، برسند. خود به خود، پیامد نگرش کودک نسبت به قرآن در رویکرد آموزش‌محور یا همان آموزش روخوانی این است که قرآن کتابی است که باید مهارت روخوانی تمام متن آن را آموخت؛ به نحوی که از هر جای آن سؤال شد، بتوانیم بخوانیم. در رویکرد حفظ‌محور نیز قرآن کتابی است که باید تمام آیات آن را با تسلط کامل از حفظ بدانیم. مطابق این دو رویکرد، همهٔ کودکان باید به مهارت خاصی برسند اما به نگرش آنان کمتر توجه می‌شود؛ چون تمام دغدغه، تلاش و جهت‌گیری معلم و برنامه‌ریزان رسیدن همهٔ کودکان به توانایی روخوانی یا حفظ قرآن است.

حال آنکه در برنامهٔ انس‌محور چون حد انتظار براساس سطح

علاقه و آشنایی هر کودک تعریف می‌شود، «باید» وجود ندارد. در رویکرد مبتنی بر انس کودکان با قرآن، علاقه‌مندی و پذیرش و احساس موفقیت همهٔ کودکان مدنظر است.

از این‌رو، حد خاصی در یادگیری همهٔ کودکان یا رسیدن آن‌ها به مهارت خاصی اهمیت ندارد و مسئلهٔ مهم، علاقهٔ همهٔ کودکان به قرآن و آشنایی با آن است. در این نوع رویکرد و هدف‌گذاری، محور اصلی مطالب شامل آشنایی با قرآن، پیام‌های ساده و کاربردی آن یا همان سخنان خدای مهربان و زمینه‌سازی برای علاقه‌مند شدن به حفظ برخی از عبارات یا سوره‌های کوتاه همراه با مفهوم کلی آن‌ها و به‌ویژه برخی قصه‌های جذاب و مناسب قرآنی است.

قرآن کتابی سرشار از سخنان قابل فهم و کاربردی از خدای مهربان و قصه‌های شیرین و پندآموز است.

کودکم، قرآن چه کتابی است؟

حال با توجه به پیامدهای متفاوت رویکردهای فوق در نگرش کودکان نسبت به قرآن، در کودکی که براساس یکی از این رویکردها با برنامه و فعالیت‌های قرآنی مواجه شده است، چه ذهنیتی در بارهٔ قرآن شکل می‌گیرد؟ پاسخ کودک به این سؤال تابع چیست؟ دوست داریم کودکانمان نسبت به قرآن چه نگرشی داشته باشند؟ هر چند تحقق رویکردهای گوناگون اعم از آموزش روخوانی قرآن، حفظ قرآن و انس با قرآن در سنین اولیهٔ کودکی و حتی دورهٔ پیش‌دبستان امکان دارد، اولویت و ضرورت با کدام است؟ برنامه‌ریزان دلسوز و علاقه‌مند به فعالیت‌های قرآنی اثربخش در دورهٔ کودکی، همواره به دنبال آن‌اند که همهٔ کودکان نسبت به قرآن نگرش مطلوب و توأم با موفقیت داشته باشند؛ تا آنجا که هر کودک به اندازهٔ فهم نسبی خود قرآن را کتابی برای زندگی بهتر یا مدرسهٔ زندگی بداند و همواره زمینه‌های ارتباط و انس او با قرآن و بهره‌مندی از آن برای سنین بالاتر فراهم باشد. ان شاء الله

* منابع

۱. کراچی، (۱۳۸۳). کنزالفوائد، انتشارات دارالذخائر،
۲. ادیب، مریم، (۱۳۹۲). تربیت دینی کودک و نوجوان، انتشارات منادی تربیت،
۳. نهرانی فرجاد، مسعود، (۱۳۹۰). تبیین برنامهٔ انس با قرآن در دورهٔ پیش‌دبستان، انتشارات مدرسه،
۴. فیشر، رابرت، (۱۳۸۶). آموزش یادگیری به کودکان، مترجم: فروغ کیانزاده، انتشارات ویش،
۵. راهنمای برنامه و فعالیت‌های دورهٔ پیش‌دبستان مصوب شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۸۷.



قرآن کتابی
سرشار از
سخنان قابل فهم
و کاربردی از
خدای مهربان و
قصه‌های شیرین
و پندآموز است

نوای خوش قرآن

گفت‌وگو با امیرحسین کاکازاده، معلم کلاس قرآن

مریم موسوی

عضو هیات تحریریه



اشاره

آیا تا به حال به این موضوع اندیشیده‌اید که چه کاری می‌توانید انجام دهید تا کلاس قرآن برای بچه‌ها جذاب‌تر شود؟

مجموعه «سُروِستان» برای بچه‌ها و معلمان قرآن نامی آشناست. این مجموعه که به همت تعدادی از دوستان و فعالان قرآنی کشور و با هدایت امیرحسین کاکازاده راه‌اندازی شده، در واقع کاری کرده است که معلم در کلاس درس بتواند با تأسی به کتب درسی و با روشی نو و متنوع، فضای کلاس را عوض کند.

در این شماره گفت‌وگوی کوتاهی با امیرحسین کاکازاده، معلم قرآن دوره ابتدایی، انجام داده‌ایم؛ معلمی که با صدای گرم خود، بچه‌ها را شیفته کلاس قرآن می‌کند.

□ امیرحسین کاکازاده هستیم؛ معلم قرآن

دبستان با ۱۲ سال سابقه تدریس در مراکز آموزشی و در دوره ابتدایی. با توجه به نیاز نونهالان، همواره دغدغه آموزش بهتر در عرصه قرآنی را داشته‌ام. متولد سال ۶۸ هستم و در خانواده‌ای فرهنگی رشد یافته‌ام.

قاری قرآن هستم و از کودکی با این کتاب آسمانی مأنوس بوده‌ام. عضو گروه هم‌آوایی بین‌المللی «الغدیر» و مدیر مجموعه سُروستان نیز هستم. با تأسیس مجموعه سُروستان، فعالیت تخصصی خود را آغاز کردم و هدایت این مجموعه را بر عهده گرفتیم. علاوه بر حضور در

گروه بین‌المللی هم‌آوایی الغدیر، به کمک تعدادی از کودکان و نوجوانان قرآنی کشور، در زمینه‌های قرآنی و فرهنگی برای دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی به تولید آثاری

در این زمینه پرداخته‌ام. اولین گندم، دومین گندم و سومین گندم مجموعه‌هایی هستند که سرودستان تولید و منتشر کرده است. این مجموعه‌ها حاوی سرودها و پیام‌های قرآنی کتاب قرآن و هدیه‌های آسمان دوره دبستان هستند که در قالب یک لوح فشرده صوتی و یک لوح تصویری در هر آلبوم و با صدای بنده تولید شده است. در توضیح این اثر می‌توانم بگویم که خواندن قرآن را از کودکی آغاز کرده‌ام و از همان زمان با این کتاب انس و الفت یافته‌ام.

■ لطفاً از شروع فعالیت خود در سرودستان بگویید.

□ من به حرفه آموزش علاقه‌مند بودم و از سال ۸۷ وارد عرصه تدریس در دوره ابتدایی شدم. چندین سال نیز در همین دوره تحصیلی معاون پرورشی بوده‌ام. در حال حاضر هم آموزگار پایه اول ابتدایی هستم و همچنین دوره ابتدایی قرآن تدریس می‌کنم. در سال‌های اخیر تمرکز روی پایه اول و تدریس در این پایه بوده است. در کنار شغل معلمی، همواره علاقه زیادی نیز به همخوانی و سرود داشتم، به طوری که در زمان نوجوانی گروهی را راه‌اندازی کردیم و در هر جلسه که دور هم جمع می‌شدیم، آیاتی از قرآن و یا سرودی را همخوانی می‌کردیم.

به نظر من کتاب‌های ابتدایی به مکمل آموزشی نیازمندند. در این میان، یکی از نقاط قوت کتاب‌های فعلی دبستان، وجود سروده‌های متعدد در زمینه آموزش و ارتباط بهتر است. توضیح اینکه نونهالان کلاس اولی تازه وارد فضای آموزشی شده‌اند و تا قبل از این، در فضای پیش‌دبستانی بوده‌اند. بنابراین، معلم باید مجموعه‌ای در اختیار داشته باشد که بتواند با آن فضای کلاس را تلطیف کند و باعث جذب دانش‌آموز به کلاس درس شود. متأسفانه یکی از ضعف‌های کلاس‌های

آموزشی ما ارائه نشدن محتوای گرافیکی با ظاهری مطلوب و نبود ارتباط سمعی و بصری میان کودک و کتاب است.»

کاکازاده با اشاره به مجموعه اولین گندم اظهار داشت: «در تابستان سال ۹۵ فعالیت رسمی خود را با عنوان سرودستان آغاز کردم. طرح و فعالیت در قالب سرود و همخوانی کودکانه انجام شد و محتوایی را برای کتاب قرآن کلاس اول تهیه و تولید کردیم و پس از همفکری با دوستان در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، تصمیم بر آن شد که تمرکز بر قسمت‌هایی باشد که در مجموعه‌های دیگر کار نشده است و جای خالی آن در آن زمان احساس می‌شود. در نتیجه پس از یک سال فعالیت، اولین آلبوم ما با عنوان اولین گندم تولید و منتشر شد.»

وی با اشاره به اینکه کودک در کلاس اول تازه وارد فضای آموزشی شده است و سواد ندارد، گفت: «در این زمان همه چیز برای او ناشناخته است و به همین خاطر، سخت ارتباط برقرار می‌کند. این تخصص مربی و معلم است که کودکان را جذب کند اما خودش به تنهایی نمی‌تواند این کار را انجام دهد. در واقع، کتاب پایه اول با توجه به اینکه کودکان باسواد نیستند و در سال تحصیلی باسواد می‌شوند، هدفش مفاهیم قرآن است و پایه‌های روخوانی را تقویت می‌کند. ما در این مجموعه، سرودها و پیام‌های قرآنی را مبنای اصلی دانسته‌ایم. در کتاب نیز کودکان چندین سوره کوچک را می‌آموزند و از اواسط تا پایان سال می‌توانند لوحه‌خوانی را فراگیرند.»

کاکازاده با اشاره به اینکه همچنان مشغول تولید مجموعه‌های جدید هستند و به یاری خدا این تولیدات به زودی منتشر می‌شوند، افزود: «سرودستان درجه متفاوتی را به روی سرود و همخوانی کودکانه باز کرده است. ما هم متن و هم سبک را برای معلمان قرار دادیم تا به راحتی بتوانند با دانش‌آموزان تمرین کنند و با آن ارتباط برقرار سازند.»

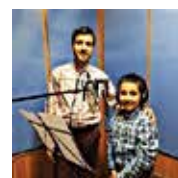
مدیر مجموعه سرودستان در تشریح این مجموعه گفت: «آلبوم‌های این مجموعه حاوی سرودها و پیام‌های قرآنی، کتاب قرآن و هدیه‌های آسمان هستند و ما این قطعات را با آواها و نغمات دلنشین برای کودکان و نونهالان تولید کرده‌ایم. همچنین از دیگر تولیدات مجموعه سرودستان، قطعاتی

معلم در کلاس درس می‌تواند با تاسی به کتب درسی و با روشی نو و متنوع، فضای کلاس را عوض کند





ما در مجموعه سرودستان، برای هر پیام قرآنی یک سرود ساختیم که قبل از پخش پیام قرآنی، این سرود با همان مضمون، ذهن کودک را آماده دریافت پیام قرآنی کند



با موضوعات مختلف دینی و آیینی است که از جمله آن‌ها می‌توان قطعه محبوب «چهارده ماه» را نام برد که به چهارده معصوم - علیهم‌السلام - هدیه شده است. این مجموعه با استقبال زیادی روبه‌رو شده و از شبکه‌های مختلف صدا و سیما نیز پخش می‌شود.

یکی از پیام‌های کتاب به‌عنوان مثال عبارت «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» است که در کتاب درسی مرتبط با این عبارت قرآنی، ترجمه پیام و تصویری کشیده شده است و ما در این مجموعه برای این پیام قرآنی، سرود قرآنی ساختیم و قبل از پخش پیام قرآنی، این سرود با همان مضمون پیام پخش شده تا ذهن کودک آماده دریافت پیام قرآنی شود و چون با زبان خودش سرودی می‌خواند که مرتبط با پیام قرآنی است، به شناخت کودک نیز کمک شایانی می‌کند.

کاکازاده با اشاره به اینکه در تولید این مجموعه‌های کودکانه از تکنیک «آکاپلا» استفاده شده است، افزود: «آکاپلا یکی از جدیدترین تولیدات موسیقی است که بدون استفاده از ساز و تنها به کمک آوا و کلام تولید می‌کنیم. این آواها برای بچه‌ها جذاب‌اند و باعث جذب بیشتر آنان می‌شوند؛ به طوری که کودکان وقتی آن‌ها را می‌خوانند، با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند و این همخوانی برایشان لذت‌بخش است.

مجموعه آلبوم‌های صوتی و تصویری گروه سرودستان، برای تمامی مؤسسات قرآنی قابل استفاده است و با همکاری مؤسسه «ندای آسمانی» و با نظارت دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی انجام شده است.»

■ آیا شما برای هر چه جذاب‌تر کردن کتاب‌های قرآنی دبستان از روش‌های تدریس خلاقانه نیز استفاده می‌کنید؟

□ کتاب‌های قرآنی جدید در مقایسه با کتاب‌های قرآنی سال‌های گذشته، بهتر و کودک‌پسندتر شده‌اند اما نکته‌ای که وجود دارد این است که ما با کودک سروکار داریم و قرآن نیز فضای خاصی دارد؛ از این‌رو اینکه انس با قرآن به چه شکل انجام می‌شود، بسیار حائز اهمیت است. در این کتاب‌ها لوحه‌های خوبی نیز اضافه شده است که کودکان با استفاده از آن‌ها ترکیب‌خوانی را می‌آموزند. یکی از اهداف طرح تدبیر در قرآن،

جذاب‌سازی فضای کلاس‌های درس بوده است. ما در این راستا تألیف سرودها و پیام‌های قرآنی کتاب را با زبان کودکان شروع کردیم. این قطعات در استودیو تولید شده‌اند و معلمی که در کلاس تدریس می‌کند، جدا از دغدغه آموزش قرآن و جذب مخاطب، می‌تواند فضای کلاس را نیز با این آثار تغییر دهد. اگر شما لوح و مجموعه‌ای در دست نداشته باشید و بخواهید فقط کتاب را تدریس کنید، فضای کلاس خشک و بی‌روح خواهد بود؛ از این‌رو، معلم باید ابزارهایی داشته باشد تا بتواند این فضا را برای کودکان تلطیف کند.

دوره تحصیلی ابتدایی را به دو دوره اول و دوم تقسیم می‌کنند و پایه‌های اول تا سوم در دوره اول، و پایه‌های چهارم تا ششم در دوره دوم قرار می‌گیرند. در دوره اول انگیزه خواندن کودکان به‌ویژه در قرآن بالاست و از این‌رو این موضوع حائز اهمیت است که چه محتوایی برای آن‌ها در نظر گرفته شود. برای مثال، در پایه‌های دوم و سوم از رنگ و لعاب کتاب کم شده است؛ به این معنی که در کتاب اول، دوازده سرود وجود دارد و کودک با پیام‌ها و سرودهای قرآنی درگیر شده است اما در پایه‌های دوم و سوم این موضوع کم‌رنگ‌تر شده و بیشتر به اصل خواندن و یادگیری قرآن پرداخته شده است و از این نظر، قدری جای کار دارد.

■ با توجه به فراهم نبودن امکان برخورداري همه مدارس کشور از معلم قرآن، اگر معلمی غیر از معلم قرآن بخواهد این کتاب را تدریس کند، آیا از پس این مسئولیت برخواهد آمد؟

□ از اهداف آموزش و پرورش این است که معلم اصلی این کتاب را تدریس کند؛ چون معلم کلاس اول بیشترین ارتباط را با کودک دارد و کودکان بیشترین وقت را با معلم اصلی می‌گذرانند. از این‌رو توصیه شده است که قرآن را همین معلم تدریس کند، اما سؤال این است که آیا معلم اصلی این تخصص را دارد یا خیر. در این راستا، کتاب پایه اول این ویژگی را دارد که معلم اصلی نیز می‌تواند آن را تدریس کند و این کار شدنی است. از سویی، این معلم اغلب اطلاعات خوبی دارد و از سوی دیگر با کودکان بکری روبه‌روست که باید روش‌های مختلفی را برای آموزش آن‌ها

به کار گیرد و آنان را جذب کند، اما باز هم موضوع تخصص مطرح است.

■ در برخی مدارس، معلم ورزش یا ناظم به کودکان قرآن تدریس می‌کند. آیا واقعاً تخصص در این حوزه اهمیتی ندارد؟ آیا اشکالی بر کتاب وارد است که برخی دانش‌آموزان نمی‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند؟

□ در گذشته کتاب‌های گویا یا چنین مجموعه‌هایی نبود و تخصص اهمیت ویژه‌ای داشت اما در حال حاضر با وجود چنین ابزارهایی، اگر معلم تخصص کافی نیز نداشته باشد، می‌تواند با بهره‌گیری از آن‌ها آموزش را پیش ببرد.

معلم در کلاس درس، زمان خوبی برای آموزش در اختیار دارد اما حجم سایر دروس نیز در پایه اول زیاد است و از این‌رو، کمتر معلمی پیدا می‌شود که اگر بخواهد به آموزش قرآن بپردازد، کارش خیلی ایده‌آل پیش برود؛ چون هم و غم معلم، باسوادشدن کودک است و در آخر سال والدین انتظار دارند که کودکشان خواندن و نوشتن یاد گرفته باشد. فقط مدرسی که رویکرد قرآنی دارند، بیشتر به آموزش قرآن می‌پردازند.

اهدافی که ما در مجموعه سرودستان داشته‌ایم، در راستای آموزش قرآن با بهره‌گیری از سرود بوده است. برای تولید این مجموعه‌ها زمان زیادی را صرف کرده‌ایم. من اغلب روزها پس از تدریس در مدرسه به استودیو می‌رفتم و تا نیمه‌های شب، این کار را با همکاران آماده می‌کردیم. نکات مهمی را در رابطه با آموزش قرآن کودکان مورد توجه قرار داده‌ایم؛ چرا که به دلیل قرآنی بودن کار، ذره‌بین‌ها و چارچوب‌ها دقیق‌تر می‌شوند. با توجه به وجود مناطق محروم در کشور، که امکانات کمتری دارند، گستره توزیع این مجموعه بیشتر در همان مناطق بوده است. از این مجموعه بازخوردهای خوبی دریافت کرده‌ایم. یکی از بازخوردها، ویدیویی است که معلمی از کلاسش در جنوب کشور برای ما ارسال کرده که نشان می‌دهد این مجموعه به آن منطقه رسیده است و فضای کلاس با این مجموعه تغییر یافته و کودکان توانسته‌اند با آن ارتباط برقرار کنند.

■ لطفاً از همراهاتان در مسیر به ثمر



رسیدن این مجموعه بگوئید.

□ خدا را شاکرم که توفیق دارم در این راه قدم بر دارم و برای کودکان و دانش‌آموزان کشور سربلندم ایران، کاری انجام دهم. در این راه دوستان زیادی با بنده همراهی داشته‌اند که به رسم ادب و تشکر از این عزیزان یاد می‌کنم؛ آقایان: محمد مهترانی، هادی نصیری، احسان جاودان، امیر کاشی، علی افسری، حسن صفری، مهدی شکارچی، وحید احمدی، محمدمهدی کاکازاده، حسین رضوانفر، محمدهادی عظیمی، و محمدحسین رفیعی.

همچنین، این کودکان و نوجوان قرآنی عزیز همخوان آلبوم‌ها بوده‌اند: محمدمیثم عظیمی، علی مهترانی، سیدمحمدصادق خادمی، مهدی سلیمانی، و محمدحسین بیگی.



اهدافی که ما در مجموعه سرودستان داشته‌ایم، در راستای آموزش قرآن با بهره‌گیری از سرود بوده است



مبانی هنری قصه‌های قرآن

ابوالقاسم حسینی (زرفا) | به کوشش: مهدی محدثی

استفاده شده است. حال که «قصص» در قرآن نیامده، پس به طریق اولی مفرد آن، که «قصه» باشد، نیز در این کتاب آسمانی نیامده است. اکنون این سؤال پیش می‌آید: «وقتی در قرآن قصه و قصص نباشد، پس قصه‌های قرآن و مبانی هنری‌اش را - که موضوع بحث ماست - از کجا آورده‌ایم؟»

در پاسخ به پرسش فوق باید گفت که بنا به نظر اکثر مفسران، شارحان و اهل لغت، در تفاسیر، قصص را مصدری گفته‌اند که از آن اراده مفعول شده؛ یعنی اگر چه قصص در لغت به معنای پیگیری آثار پیشین یا به عبارتی روایت آثار پیشین است، در معنای پذیرفته شده‌اش از آن اراده مفعولی شده است؛ بنابراین، با قرائن و شواهد فراوان اطلاق قصص بر قصه‌گویی و همین معنای مصطلح آن را می‌پذیریم و نیز می‌پذیریم که در قرآن لفظ قصص (که جمع قصه باشد) وجود ندارد.

تفاوت قصه با انواع ادبی مشابه

برای بیان این مطلب، ابتدا به بیان فرق قصه و حکایت می‌پردازیم. همان‌گونه که می‌دانید، حکایت از طریق باب مفاعله با «محاکات» هم خانواده است و محاکات یعنی

«مبانی هنری قصه‌های قرآن»

برای تعریف مبانی هنری قصه‌های قرآن، دست کم باید دو عنصر زیرساز «هنر» و «قصه» تعریف شود.

هنر در تعریف رایج عبارت از «بیان زیبای واقعیت‌ها»، و قصه به طور اجمالی «پیگیری و ردیابی آثار گذشته و گذشتگان» است. بدین ترتیب، وقتی از مبانی هنری قصه‌های قرآن سخن به میان می‌آید، مقصود شکافتن این جنبه است که آیا آنچه در قرآن بدان قصه اطلاق می‌شود، اصولاً از مبانی هنری معهود و شناخته شده ما تبعیت می‌کند؟ به عبارت بهتر، آیا آنچه را ما از ادبیات، هنر و ادبیات هنری می‌شناسیم، در قرآن هم صدق می‌کند یا اینکه قصه‌های قرآن، مبانی و رویکردها و زیرساخت‌های خاص خود را دارند؟

آیا در قرآن قصه هم وجود دارد؟

گاهی این سؤال از جنبه فنی و هنری مطرح می‌شود. علت این است که در قرآن «قصص» (جمع قصه) وجود ندارد بلکه آنچه در قرآن شریف به کار رفته، کلمه «قصص ۱» است که از آن گاهی با اضافه و زمانی نیز مطلق و در مجموع شش بار



از آن و فرازها و فرودها وجود دارد. این جابه‌جایی که از شگردهای قصه‌گویی و قصه‌نویسی است، در حکایت وجود ندارد. حکایت، زبانی ساده دارد و از حیث قالب و شکل کاملاً کوتاه و مقطع است. پس در بازشناسی تفاوت قصه و حکایت، به جنبه‌ی چگونگی «نمودن» واقعیت خارجی نظر می‌کنیم. حکایت فقط برای محاکات و بازتاباندن واقعیت بیرون است اما هدف و غایت قصه، منحصر به آن نیست. قصه این ادعا را دارد که از اول می‌خواهد در واقعیت تصرف کند و تصرف لزوماً به معنای دروغ‌پردازی نیست. تصرف یعنی بهره‌گرفتن از شگردها و شیوه‌هایی در گزارش واقعیت، و حکایت یعنی بیان واقعیت بدون تصرف.

ویژگی قصه چیست؟

قصه اگر یک اثر هنری تلقی شود (که چنین است) باید مانند هر اثر هنری دیگر سه ویژگی زیر را دارا باشد:
 - نوآوری داشته باشد؛ در قصه باید نسبت به نوع معمول و پیش‌پا افتاده، بدعت و نوآوری وجود داشته باشد که همگان قادر به خلق آن نباشند. (و همان‌گونه که می‌دانید، تحدی در همه‌جای قرآن و حتی قصه‌هایش وجود دارد).
 - زیبایی ساختاری داشته باشد؛ یعنی از حیث جمالی باید زیبا باشد.
 - از لحاظ نحوه بیان، قدرتمند باشد؛ یعنی قدرت تعبیر و نحوه بیانش به گونه‌ای باشد که بتواند از دیگر تعبیرهای هنری ممتاز شود.
 این سخن که در قصه‌های قرآن هر سه ویژگی فوق وجود دارد، ادعای درستی است؛ چرا که از نوآوری و زیبایی ساختاری و قدرت تعبیر برخوردار است.

جلوه‌های هنر در قصه‌های قرآن

جلوه‌هایی از هنر که در قرآن به کار رفته است، اجزایی دارد. یکی از آن‌ها تنوع اسلوب است. بسیاری اوقات یک قصه و رویداد واقعی به گونه‌های متفاوت و مختلفی بیان شده است. گاه کوتاهی و بلندی یک رویداد خاص در کتاب آسمانی ما متفاوت است و به تعبیر امروز، دیالوگ‌ها و گفت‌وگوها با هم تفاوت دارند و نیز ورود و خروج به داستان، متفاوت می‌باشند. برای نمونه، در قصه هود (ع) وقتی وارد شدن فرشتگان بر حضرت ابراهیم (ع) نقل می‌شود، با نحوه نقل همین قصه در جای دیگر فرق دارد. در سوره هود به جهت فرا فکندن بار سنگینی که بر حضرت رسول (ص) پدید آمده، از رهگذر مباحث مطرح در این سوره قصه ابراهیم (ع) با بشارت آمده و در جای دیگر همین قصه نحوه‌اندازی و هشدار دارد.

بازتابش واقعیت‌های بیرون. حکایت که از محاکات اخذ شده، به آن نحوه بیان ادبی گفته می‌شود که صرفاً محاکاتی از واقعیت باشد و مطلبی را که در جهان خارج محقق شده بیان کند، که خود، به حکایات تمثیلی و ... تقسیم می‌شود. فرق اساسی قصه با حکایت همین است که حاکی در مقام حکایت، چیزی را واقعی می‌پندارد (حتی اگر واقعی نباشد) و آن را برای ما بیان می‌کند؛ یعنی، هنر دیگری به خرج نمی‌دهد و اگر ما عبرت و پندی از آن بگیریم، مربوط به خود ماست. برای مثال، سعدی هم قصه‌گویی توانا بوده اما در کار خویش، در مقام حکایت بوده است. لذا در واقعیت، بازگشت به گذشته (فلاش‌بک) و جابه‌جایی نداشته است ولی در عموم قصه‌های هنری و نیز در قرآن، آغاز از نقطه‌ای و بازگشت به نقطه قبل



**بیان کردن
صحنه‌های
مختلف از یک
رویداد، همان
چیزی است که
در داستان‌نویسی
امروز اصطلاحاً
به آن «زاویه
دید» می‌گویند و
قصه‌های قرآن به
شکل منشوری و
با زوایای متفاوتی
مطلبی را بیان
می‌کند**

این «تنوع اسلوبی» که در بسیاری از قصه‌های قرآن لحاظ شده، خود نشانگر جلوه زیبایی‌شناسانه می‌باشد. (البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که خداوند برای بیان آن‌ها به چنین شیوه‌هایی نیاز نداشته و ما امروز با دید مادی و هنرشناسانه انتزاع می‌کنیم.)

جلوه دیگر هنر در قصه‌های قرآن، تقسیم به نماهای مختلف است. همان‌گونه که فیلم به صورت «پلان» و نماهای مختلف برای همه جذابیت دارد، خداوند نیز در کتاب شریف، قصه‌ها را برش داده و نماهای مختلف را به همدیگر وصل کرده و با این کار به قصه، پویایی و تحرک بخشیده است. تقسیم شدن به نماهای گوناگون و پلان‌ها و برش‌های مختلف از بازگویی روایت‌ها، از ویژگی‌های قصه‌های قرآن است. سومین جلوه هنر در قصه‌های قرآن، گزینش صحنه‌های مؤثر است. این مسئله نیز در نگاه‌های نخست مشهود است که در بیان قصه‌ها، همه چیز بیان نشده بلکه کاملاً گزینشی و غربال شده است. مثل قصه حضرت موسی (ع) که حدود صد و بیست بار به اشکال و اجزای مختلف در قرآن روایت شده که در جایی بحثی مطرح نمی‌شود و در جای دیگر،



**قرآن در مقام
قصه‌گویی به
شدت از این‌که
مطلبی خلاف
واقع بگوید
طفره می‌رود و
به داستان‌هایش
اضافه نمی‌کند**

بحثی در همان قصه مفصل‌تر مطرح است. این گزینش‌ها از جنبه‌های هنری در قصه‌های قرآن است. چون این انتخاب‌ها با پویایی خود در انتقال پیام بسیار مؤثر است.

شبه‌زدایی قصه‌های قرآن

بسیار مشهود است که اگر در قرآن گفت‌وگویی بیان می‌شود و در ذهن مخاطب، احتمال شبهه‌افکنی قوت می‌گیرد، همان‌جا و در ضمن قصه، شبهه برطرف می‌شود. زدودن شبهه در قصه، یک کار و یک هدف است اما با چه روش و اسلوبی؟ اگر در میان قصه شعار بدهیم، بسیاری از مخاطبان را از دست می‌دهیم. این‌گونه نیست که حرف را بزنیم و هر کس به فراخور درک و فهمش هر گونه استنباط و برداشت که خواست، بکند. در قصه‌های قرآن، هرگز بنای کار هنری بر پایه آن استوار نبوده است. هر جا که مطلبی بیان شده، بلافاصله در مقام شبهه‌زدایی، نکته‌های شبهه‌زدا نیز مطرح شده است.

تکرار قصه‌ها

بحث بسیار مهم و اصولی و کارسازی که در قصه‌های قرآن وجود دارد، مسئله تکرار است. کسانی که چنین مباحثی را دنبال می‌کنند شاید آگاه باشند که یکی از ایرادهای مهمی که بر قصه‌های قرآن گرفته شده، همین تکرار است. علت تکرار قصه‌های قرآن، ظاهراً این است که این کتاب آسمانی هر جا که برای ابلاغ پیامش نیاز به حرکتی، گفت‌وگویی و صحنه‌ای حس کرده، آن را عرضه کرده است. این ویژگی در قصه حضرت موسی (ع) بیش از همه قصه‌های قرآن به چشم می‌خورد. بیان کردن صحنه‌های مختلف از یک رویداد، همان چیزی است که در داستان‌نویسی امروز در اصطلاح به آن «زواپی» دید» می‌گویند و قصه‌های قرآن به شکل منشوری و با زوایای متفاوتی مطلبی را بیان می‌کنند؛ یعنی بسته به مقدار و کیفیت و شرایط مکانی و زمانی، ابلاغ آن پیام در جنبه نماد، ظاهر می‌شود. پس رمز تکرار در قصه‌های قرآن این است که جلوه‌ها و ابعاد در هر قصه‌ای، با هدف و غایتی خاص به مخاطب نشان داده شود؛ حتی اگر در یک صفحه قبل نیز به آن اشاره کرده باشد.

انواع قصه‌های قرآن

در مورد انواع قصه‌ها شش‌گونه قصه قابل تصور است: تاریخی، واقعی، تمثیلی، اسطوره‌ای، نمادین و غیبی.

۱. **قصه تاریخی**: قصه‌ای است که محتوا و ماجرای آن در یکی از هنگامه‌های تاریخ محقق شده باشد. قصه تاریخی، بیانی تاریخی دارد که بیانی دقیق است و به ذکر جزئیات می‌پردازد.

۲. **قصه واقعی**: قصه‌ای است که در وقتی از اوقات روزگار





فلان رنگ و فلان حیوان که در فرهنگ‌های مختلف، نمادی از مظاهر مختلف است. و قصه‌ای که مبتنی بر چنین عناصری باشد قصه نمادین نامیده می‌شود.

۶. قصه غیبی؛ به قصه‌ای گفته می‌شود که محتوا و ماجرایش در جهان شهود تحقق پیدا نکرده است و مربوط به عالم غیب است. در مباحث مختلف و مفصلی که شده، برخی خواسته‌اند تمام این انواع شش‌گانه را به قصه‌های قرآن نسبت دهند. از جمله افرادی که قصه‌های نمادین و تمثیلی و اسطوره‌ای و رمزی برای قرآن قائل‌اند، دکتر محمد احمد خلف‌الله است. اینان شاگرد فردی به نام امین خولی در مصر بودند و دارای مکتب «امناء» که دو فرشته‌ای را که بر حضرت ابراهیم (ع) وارد شدند، نماد می‌دانستند. و یا یکی از نویسندگان ایرانی، عمر حضرت نوح را نمادی از صبر در راه تبلیغ و پافشاری در این راه می‌دانست ...

با اندک تأملی در قصه‌های قرآن درمی‌یابیم که این دسته‌بندی‌ها برای قصه‌های قرآن باطل است و در قرآن فقط قصه‌های واقعی داریم و لاغیر! حتی قصه تاریخی هم در قرآن نیست از گونه‌های قصه فقط می‌توان قصه واقعی را برای آن تصور نمود.

*** پی‌نوشت**

۱. قصص مصدر است و نه جمع قصه!

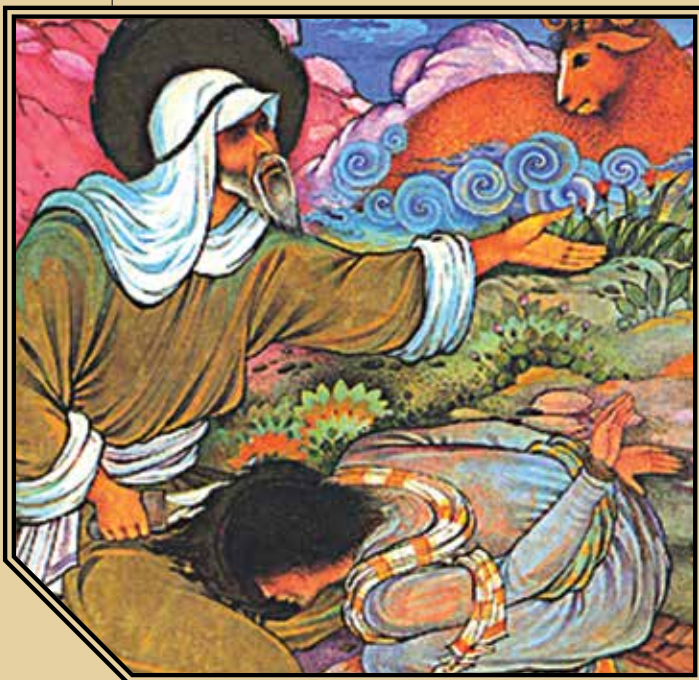
محقق شده اما دارای بیان ریز جزئیات نیست و ماجرای تحقق یافته در ظرف زمانی را بازگو می‌کند (که ما معتقدیم قصه‌های قرآن از این نوع هستند).

۲. قصه تمثیلی؛ برای آوردن ضرب‌المثل از قصه تمثیلی می‌توان یاد کرد که تخیلات یک نویسنده، به آن افزوده می‌شود و رنگ و لعاب به خود می‌گیرد تا مثل خود را عرضه کند و مخاطب نتیجه اخلاقی بگیرد.

۴. قصه اسطوره‌ای؛ فرق قصه اسطوره‌ای با تمثیلی این است که اسطوره‌ای یک دروغ محض و یک تخیل کاملاً ناب است. باید توجه داشت که این اسطوره با اسطوره‌ای مثل شخصیت اسطوره‌ای - که در کتب جدید نوشته شده، مثل فلان نماد و فلان پهلوان - فرق دارد و نباید در اینجا مشتبه شود.

اگر بخواهیم مثالی برای قصه اسطوره‌ای بیاوریم، می‌توانیم به شاهنامه فردوسی اشاره کنیم که قهرمانان قصه‌اش واقعیت خارجی نداشته و به معنای مطلق، تخیل بوده‌اند. اسطوره بر سبیل تمثیل نیست و تحقیقش بسیار دور از ذهن است (که البته صاحب قرآن از این تعبیرات کاملاً مبرا است).

۵. قصه نمادین و سمبلیک؛ قصه رمزی و سمبلیک به قصه‌ای گفته می‌شود که مبتنی بر عناصر نمادی باشد مثل



**تقسیم به نماهای
گوناگون و پلان‌ها
و برش‌های
مختلف از
بازگویی روایت‌ها،
از ویژگی‌های
قصه‌های قرآن
است**

کاریکاتور من کو؟

تجربه‌ای از آموزش قرآن

یونس باقری | سید میثم موسوی

تصویرگر

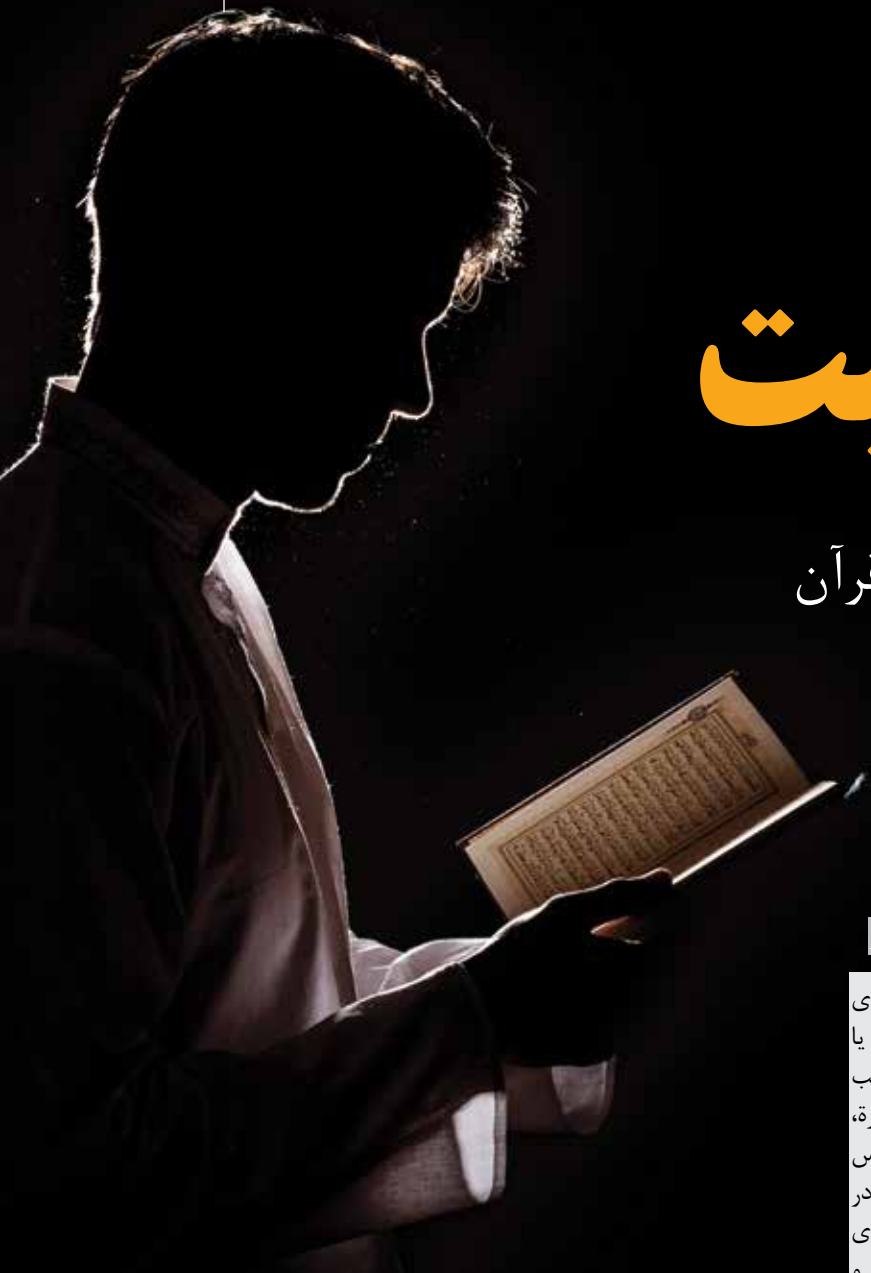
به صورت عادی کشیده بود و کاریکاتوری نبود یعنی فقط خودم را کشیده بود. تا برگه را از او گرفتم که نگاه کنم (البته همراه با تحسین و تمجید در دلم) دانش‌آموزان دیگر گفتند: «آقا... این کارش همین است... دائم کاریکاتور می‌کشد.» از دانش‌آموز طراح پرسیدم: «پس چرا کاریکاتور مرا نکشیده‌ای و تصویر خودم را کشیده‌ای؟» پاسخ داد: «آقا... شما معلم قرآن هستید و نباید کاریکاتور شما رو کشید.» راستش را بخواهید، از این جمله او احساس افتخار کردم و بادی در غیغب انداختم. فکر کردم دانش‌آموزان چه نگاهی به ما معلمان قرآن دارند و ما توجهی نداریم.

سال ۱۳۷۱ در دبیرستان البرز تهران در چهارراه کالج دبیر درس‌های دینی و قرآن بودم و مدیر دبیرستان هم مرحوم باقر دزفولیان بود. دبیرستان البرز یکی از مدارس قدیمی تهران است که آمریکایی‌ها سال‌ها پیش از انقلاب اسلامی آن را برای فعالیت‌های تبشیری (مسیحی کردن جوانان مسلمان) تأسیس کرده بودند و پس از انقلاب اسلامی به دبیرستان دولتی تبدیل شد. ساختمان دبیرستان قدیمی بود و حدود ۴۰ تا ۴۵ نفر در هر کلاس آن می‌نشستند. میز و نیمکت‌ها قدیمی بودند و سقف‌های بلند و ستون‌های گرد در وسط سالن خودنمایی می‌کردند. درها و پنجره‌ها همه چوبی و قدیمی و به رنگ قهوه‌ای بودند و خاطره‌های دور را به یاد می‌آوردند. دبیران خوب و صمیمی تدریس و تحصیل در آن دبیرستان باشکوه را برای هر کسی خاطره‌انگیز می‌کردند.

در یکی از ایام هفته به دانش‌آموزان پایه چهارم قرآن تدریس می‌کردم. در آن سال‌ها درس قرآن از درس دینی جدا بود و در هفته فقط یک تک‌زنگ تدریس می‌شد. در یک کلاس شلوغ ۴۵ نفره مشغول تدریس بودم که حرکات یکی از دانش‌آموزان در آخر کلاس توجهم را جلب کرد. بدون اینکه حساسیتی ایجاد کنم؛ دانش‌آموز موردنظر را زیر نظر گرفتم. متوجه شدم که او لحظه‌ای با دقت مرا و رانداز می‌کند و سپس بر برگه‌ای در روی میز چیزهایی می‌کشد و این حرکات را مدام انجام می‌دهد. جالب اینکه دانش‌آموزان دیگر نیز به او توجهی نداشتند و ظاهراً این کارهایش برای دیگران عادی بود.

بالاخره دل به دریا زدم و از بین میزهای دانش‌آموزان به سختی گذشتم و رفتم بالای سر او. با کمال تعجب دیدم در یک برگه بزرگ، کاریکاتور تمام معلمان را در حین تدریس طراحی کرده است. مرا نیز در پایین برگه در حین تدریس کشیده بود؛ البته فقط با یک تفاوت! تفاوت این بود که تمامی دبیران را حین تدریس به صورت کاریکاتوری بسیار زیبا طراحی کرده بود ولی تصویر مرا





رسم محبت

مفهوم‌شناسی انس با قرآن

محمد حسین فریدونی

عضو هیئت مدیره اتحادیه تشکل‌های قرآن و عترت کشور

واژه «انس» در منابع زبانی و متون دینی در مقابل واژه‌های «وحشت» و «تنهایی» آمده است: «یا مونس کل وحید، یا مونس کل مستوحش» (مفاتیح‌الجنان، دعای اعمال شب عرفه)، «فکن أنیس فی وحشتی» (مناجات خمس عشره، مناجات هشتم، مناجات المریدین)، «و فلاتوحش استیناس ایمانی» (دعای ابو حمزه ثمالی). همچنین، انس مفهومی در ارتباط با نفس و قلب به شمار می‌آید: «یا انیس القلوب» (دعای جوشن کبیر)، «اجعل سکون قلبی و انس نفسی و استغنائی و کفایتی بک و بخیار خلقک» (صحیفه سجاده، دعای ۲۱). لذا بزرگان انس را اشتغال دل به ملاحظه محبوب دانسته و مراتبی را برای آن ذکر کرده‌اند (معراج‌السعاده: ۵۹۴). کراهت و محبت اصلی‌ترین مفاهیم مربوط به انس‌اند.

انسان در طلب انس و خروج از تنهایی و هراس است و این ویژگی طبیعی هر انسانی است. حتی برخی لغت‌شناسان، واژه انسان را از ریشه انس دانسته‌اند و انسان را موجودی می‌دانند که به دنبال انس یافتن است. پس، هر انسانی به چیز یا چیزهایی انس می‌گیرد؛ به گونه‌ای که در صورت جدایی از آن دچار نگرانی ضعیف یا شدید و پنهان یا آشکار می‌شود. مانوس

آدمی می‌تواند هر موجودی از موجودات عالم باشد. انس با دیگر انسان‌ها، حیوانات، نباتات، اشیا، فضاها و حتی اوهام در میان انسان‌ها دیده می‌شود.

در متون دینی، از انس انسان در دو جهت الهی و دنیایی یاد شده است: «أنسوا بالدنیا فغرتهم و وثقوا بها فصرعتهم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۰)، «و ألبس قلبی الوحشة من شرار خلقک، و هب لی الانس بک و بأولیائک و اهل طاعتک» (صحیفه سجاده، دعای ۹۱)، «و ارحم فی ذلک البیت الجدید غربتی حتی لأستأنس بغيرک» (دعای ابو حمزه ثمالی)، «و أنت المونس لهم حیث اوحشتهم العوالم» (دعای عرفه).

انس با قرآن

قرآن مجید کلام خدا و تجلی ذات در قالب کلمات است؛ همچنان که اولیای خدا تجلی اسماء الهی در عالم اند. بنابراین، ارتباط و انس با قرآن و اهل بیت مصداق بارز و بزرگ انس با خداست؛ همچنان که دعا و مناجات با حق چنین است. اولیاء الهی در دعای خویش از خدا می‌خواهند که قرآن مجید مونس آنان باشد و پیروان خود را نیز به آن فرا می‌خوانند: «و اجعل القرآن لنا فی ظلم اللیالی مؤنسا» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۱)، «واجعله لی أنسا فی قبری و أنسا فی حشری» (بحار الانوار، ج ۹۲: ۲۰۸، دعای منقول از امام صادق - ع). عالم پس از مرگ، عالم تجلی ماهیت اعمال و ملکات انسانی است. از عالم قبر و روز قیامت در زبان روایت به عنوان دو موقف تنهایی و وحشت آدمی یاد شده است. ظهور تجلی نور الهی، یعنی قرآن مجید، در قبر و قیامت به عنوان همراه و انیس آدمی نتیجه تجلی و حضور و همراهی قرآن با انسان در عالم دنیا و علامت سنخیت یافتن روح شخص با نور قرآن است.

مراتب با قرآن

قرآن دارای مراتبی است و انسان در مقام انس با قرآن به تناسب سنخیت یافتن با مراتب یاد شده، انس می‌یابد. سرور شهیدان عالم، امام حسین - علیه السلام - در روایت شریفی مراتب قرآن را چنین می‌فرماید: «کتابُ الله عزَّ و جلَّ عَلَيَّ أَرْبَعَةٌ أَشْيَاءٌ عَلَى الْعِبَارَةِ وَ الْإِشَارَةِ لِلْخَوَاصِّ وَ اللَّطَائِفِ لِلْأَوْلِيَاءِ الْحَقَائِقِ لِلْأَنْبِيَاءِ» (بحار الانوار، ج ۸۹: ص ۲)؛ کتاب خدا بر چهار چیز استوار است: عبارات، رمزها، لطایف و حقایق؛ عبارات آن برای توده مردم است. اشاره‌ها و رموزات از آن خواص و بندگان ویژه است. لطایف آن برای اولیاست و حقایق آن نیز برای پیامبران و انبیا.

برخی متون عرفانی این مراتب را با یقین اولیه، علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین هم مرتبه دانسته‌اند. پس، اولین مرتبه انس و با قرآن، انس با عبارات قرآنی است که موجب استقرار یقین در وجود می‌شود. انس در این مرحله به معنای آن است که متن و مفهوم آیات قرآن کریم در وجود شخص حاضر است و چشم و گوش و زبان و ذهن و دل انسان با این آیات الفت دارند.

امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - در تفسیر سوره مبارکه قدر با ذکر مقامات قرآن در عوالم وجود، هفت مرتبه علمیه، اعیان، اقلام، الواح، مثال، حس مشترک، و شهادت مطلقه را برای تنزل قرآن ذکر می‌نماید و مرتبه آخر را ظهور قرآن در کسوت عبارات و الفاظ برمی‌شمارد (آداب الصلوة: ۳۲۳). بر این

پایه، مراتب انس با قرآن در عالم وجود نیز می‌تواند متناظر با عوالم مختلف وجود با مرتبه‌ای از ظهور قرآن باشد.

تأکید حضرت ختمی مرتبت (ص) و اهل بیت پاک ایشان (ع) بر مداومت مشتاقانه در استماع و خواندن و تدبیر در آیات قرآن حاکی از آن است که این مداومت، مسیر ارتباط و سنخیت یافتن انسان در ابعاد مختلف وجودی با قرآن در مراتب قابل ادراک آن است. در یک کلام، انس با ظاهر قرآن و معانی آن دروازه ارتباط و انس با حقیقت قرآن است. این انس و نزدیکی می‌تواند تا آنجا پیش رود که انس انسان با قرآن نمونه حضور در بهشت فردوس باشد که به فرموده قرآن «خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَغُورُونَ عَنْهَا حَوْلًا» (سوره كهف، آیه ۱۰۸) می‌باشد. خواننده قرآن می‌تواند آن چنان به کلام خدای خویش تعلق یابد که حضور او را در کلامش حس کند و به این مرتبه برسد که حضرت زین‌العالدین - علیه‌السلام - می‌فرماید: «وَمَنْ ذَا الَّذِي أَنَسَ بِقُرْبِكَ فَابْتَغِيَ عِنكَ حَوْلًا» (مناجات خمس عشره، مناجات نهم، مناجات‌المحبین). در این حالت است که خواننده یا اسرار قرآنی آشنا می‌شود: «الهِی فَجَعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ ... وَ طَابَ فِی مَجْلِسِ الْأَنْسِ سِرُّهُمْ» (همان مناجات).

کسب همه این مقامات انسی از طریق تلاوت مستمر و متدبرانه قرآن کریم همراه با رعایت آداب ظاهری و باطنی تلاوت قرآن قابل دسترس است.

جایگاه ترویج انس با قرآن

خواندن و بازخواندن آیات قرآن و در آن تدبیر کردن وظیفه‌ای است که خداوند متعال در کلام خویش و اولیانش آن را از همه مسلمانان مطالبه کرده است. پیامبر و اهل بیت مکرم ایشان در صدر عمل به این خطاب‌اند و انس ایشان با قرآن مجید و استماع، قرائت و تدبیر در آیات قرآن فصلی بزرگ از زندگی هر یک از ایشان است؛ تا آنجا که تلاوت قرآن رأس پاک و نورانی حضرت سیدالشهدا - علیه‌السلام - سندی بی‌نظیر بر این انس و همراهی با قرآن در همه حالات محسوب می‌شود.

ترویج انس با قرآن در میان اقشار مختلف جامعه اسلامی وظیفه‌ای بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در نظام و جامعه است. لذا افراد جامعه و به طریق اولی حاکمان مسلمانان وظیفه دارند علاوه بر انس و ارتباط شخصی با قرآن و بهره‌گیری از نور آن، دیگر مؤمنان را به این معروف فرمان دهند و مقدمات آن را برای ایشان فراهم کنند.

نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظام متکی بر ولایت فقیه عادل، که استمرار حرکت نبوت محسوب می‌شود، وظیفه دارد ترویج و فرهنگ‌سازی انس با قرآن را در جامعه، به‌ویژه در میان اقشار الگو و تأثیرگذار، سرلوحه همه فعالیت‌های خود قرار



اولیاء الهی در دعای خویش از خدا می‌خواهند که قرآن مجید مونس آنان باشد و پیروان خود را نیز به آن فرا می‌خوانند

دهد. در همین راستا، موضوع انس با قرآن یکی از مهم‌ترین بخش‌های سند منشور توسعه فرهنگ قرآنی است و به‌عنوان یکی از اهداف نظام آموزش عمومی قرآن کشور به تصویب شورای توسعه فرهنگ قرآنی رسیده است. بدیهی است این موارد در مقام تقنین و سیاست‌گذاری است و تا تحقق عملی و جاری شدن آن در نظام تعلیم و تربیت و نظام فرهنگی - تبلیغی کشور و ظهور و بروز آن در فرهنگ عمومی اقشار مختلف راهی طولانی در پیش است که به عزم ملی و بسیج امکانات علمی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی کشور نیاز دارد.

مقدمات انس با قرآن

انس با آیات کتاب خدا محتاج پیش‌نیازهایی است که در این بخش به آن‌ها پرداخته میشود.

۱. توانایی خواندن قرآن

خواندن یا همان قرائت قرآن اولین مقدمه انس با قرآن است. به همین لحاظ، یادگیری خواندن قرآن موضوعیت دارد. فرد مسلمان ممکن است از طریق استماع و تکرار آیات، به توانایی خواندن آن دست یابد. با این روش، افراد می‌توانند بخش‌هایی از آیات قرآن و یا حتی تمامی آن‌ها را یاد بگیرند. این شیوه تعلم قرآن همان شیوه‌ای است که در صدر اسلام به‌عنوان یگانه روش آموزش قرآن مطرح بوده و در طول تاریخ مسلمانان تداوم یافته است.

یادگیری حمد و سوره‌های چهار قل، قدر، عصر و آیت‌الکرسی نمونه‌های رایج این شیوه آموزش قرآن است که بر روش اقرء و استقراء، یعنی خواندن معلم و تکرار متعلم، استوار بوده است. از این شیوه تعلم قرآن در جامعه ایران با عنوان حفظ قرآن یاد می‌شود. بررسی

اسناد نشان می‌دهد که واژه حفظ در سیره به معنای حفظ آموخته‌های قرآنی از فراموشی بوده است. «لَزِمَ قَلْبِي حِفْظَ كِتَابِكَ كَمَا عَلَّمْتَنِي» (اصول کافی، ج ۲، باب الدعاء فی حفظ القرآن: ۴۲۰).

روش دیگر برای کسب توانایی خواندن قرآن، یادگیری روخوانی و روانخوانی قرآن است که مبدأ سوادآموزی در جامعه ایران بوده است. با این روش، افراد توانایی آن را پیدا می‌کنند که آیات قرآن را از روی مصحف شریف بخوانند.

یادگیری روانخوانی قرآن به هیچ‌وجه رافع نیاز به یادگیری بخش‌هایی از آیات قرآن از طریق به‌خاطر سپاری آیات نیست. چرا که استفاده از مصحف در حالات مختلف، از جمله در نماز، کاری آسان و مرسوم نمی‌باشد. علاوه بر این، شخصی که آیات قرآن را به‌سینه خویش سپرده است، علاوه بر استفاده از تأثیر نورانیت آیات بر قلب و سایر اعضا و ابعاد وجودی خویش،

می‌تواند در همه حالات و بدون نیاز به هر نوع امکانات و مقدماتی قرآن مجید را بخواند.

۲. درک معنای ظاهری آیات قرآن

قرائت در معنای اصلی و مرسوم خود همراه با درک معناست. لزوم استفاده از مفاهیم و معارف قرآنی نیز بر این امر تأکید دارد که خواننده قرآن باید بداند مفهوم کلماتی که به زبان می‌آورد چیست. در غیر این صورت، بهره‌گیری از کلام خدا بسیار اندک خواهد بود. یادگیری معنای ظاهری آیات قرآن از طریق آشنایی با معانی واژگان و آشنایی با ساختارهای عمومی صرفی و نحوی زبان عربی و کاربردهای آن در آیات قرآن انجام می‌شود. فرد مسلمان باید به حدی از توانایی در این امر برسد که هنگام شنیدن یا خواندن آیات قرآن، معنای اولیه عبارات و آیات را درک کند. تا رسیدن به این مرحله می‌توان از ترجمه‌های صحیح آیات قرآن استفاده کرد.

۳. توانایی تدبر در آیات قرآن

تدبر در کلام به معنای «تأمل» و «تفکر» در مفهوم آن برای دریافت مراد گوینده است. این مراد می‌تواند به‌صورت تصریحی یا تلویحی، ضمنی، کنایی و غیر آن باشد. خواننده قرآن باید علاوه بر فهم معنای اولیه آیات، با توجه قلبی و آشنایی با معنای دقیق کلمات و ساختار متن و تمرکز فکری بر آن، در پی فهم معارف و مقاصد آیات باشد تا خواندن او موجب تذکر قلبی و اثر عملی و ایمانی شود. کسب این توانایی در افراد غیرعرب‌زبان نیازمند نوعی تمرین ذهنی و علمی تحت نظارت استاد است.

۴. علاقه و محبت نسبت به خواندن قرآن

و تدبر در آن

فرد توانا در خواندن، فهم و تدبر در آیات قرآن مستعد آن است که با قرآن انس یابد؛ به شرط اینکه به خواندن قرآن و تدبر در آیات آن تعلق و محبت داشته باشد. این تعلق می‌تواند به دلایل مختلف ایجاد شود اما تا زمانی که به محبت جاری در قلب تبدیل نشود، انس با ظاهر قرآن و مفاهیم آن به کمال نمی‌رسد و بهره معنوی شخص از آیات بسیار محدود خواهد بود.

۵. اعتقاد و عزم به استمرار و مداومت در استماع و قرائت متدبرانه قرآن

عمل انسان تابعی از اراده اوست. فرد مسلمان باید بر خود لازم بداند که استماع و قرائت متدبرانه قرآن از ضروریات مسلمانی است و تصمیم بگیرد که این امر واجب را جدی انگارد. در این صورت است که سایر امور زندگی نمی‌تواند مانع رجوع مستمر او به قرآن باشد. این مطلب به‌خصوص در فضای زندگی مدرن که اشتغالات جذاب آن فراوان است، اهمیتی مضاعف می‌یابد.

فرد توانا در خواندن، فهم و تدبر در آیات قرآن، مستعد آن است که با قرآن انس یابد؛ به شرط اینکه به خواندن قرآن و تدبر در آیات آن تعلق و محبت داشته باشد

تدریس شیرین کلام وحی

گفت‌وگو با مصطفی اینانلو، مسئول مدارس امین مرکز استان تهران



محمد حسین دیزجی

منشأوی و مصطفی اسماعیل در جهت انس گرفتن بچه‌ها با آیات، چسباندن آیات در اطراف کلاس و حفظ بعضی آیات خاص. بعد، آرام آرام می‌رویم به سراغ تجوید و روخوانی با ارائه درس‌نامه. مشارکت خود بچه‌ها به جذابیت کلاس می‌افزاید و همچنین پخش فیلم با موضوع آیات قرآن مثل آفرینش، مباحث علمی و...

■ **چطور می‌توان در آموزش قرآن جذابیت ایجاد کرد تا مخاطبان هم یادگیری بهتر و ماندگارتری داشته باشند و هم با ذوق بیشتری فراگیری را در آینده ادامه بدهند؟**
□ با مشارکت دادن بیشتر بچه‌ها و مسئولیت دادن به آن‌ها برای آماده کردن کلاس، از حضور و غیاب گرفته تا تهیه جزوه‌ها و خرید هدایا و پذیرایی از کلاس‌ها، آشنایی با قرآن و نشان دادن زیبایی‌های قرآن. یکی با لحن زبانی با کار علمی یکی با تحقیق داستان‌ها و ... یکی با هدیه، یکی با بازی در کنار کلاس قرآن و ...

■ **آیا جزوه آموزشی خاصی برای این کار دارید یا از کتاب‌های آموزشی موجود در بازار استفاده می‌کنید؟**
□ هم جزوه تجوید داریم هم کتاب‌های متداول قرآنی.

■ **شما روخوانی و تلاوت قرآن را با کدام سوره‌ها آغاز و با بچه‌ها تمرین می‌کنید؟ مثال شما شاید بتواند به خوانندگان مجله کمک کند تا در تمرین با فرزندان‌شان موفق‌تر باشند.**

□ سؤال بسیار خوبی است. ما آموزش را معمولاً با گروهی از سوره‌ها شروع می‌کنیم و سپس با گروهی دیگر ادامه می‌دهیم. یک گروه سوره‌هایی مثل سوره یوسف‌اند که جنبه داستانی دارند. بچه‌ها قصه را دوست دارند. قصه برای آن‌ها سؤال ایجاد می‌کند و فراگیرندگان را تشویق می‌کند که پرسش‌های خود را

آموزش قرآن کریم از زمان نزول کلام وحی بر پیامبر گرامی اسلام (ص) تا امروز، در طول زمان و در سرزمین‌های مختلف همچنان ادامه یافته است و این مسیر تداوم دارد. معلمان و مربیان هر یک به طریقی کار آموزش کلام وحی را دنبال می‌کنند. برای این آموزش، تاکنون کتاب‌ها و جزوه‌های متعدد و متنوعی نوشته شده و مورد استفاده قرار گرفته است. در این شماره به سراغ یکی از معلمان و مربیان آموزش قرآن کریم رفته‌ایم که مسئول مدارس امین مرکز استان تهران است. مدارس امین نام طرحی است که در آن افراد مبلغ زیر نظر معاونت تبلیغ حوزه‌های علمیه در مدرسه به فعالیت‌های قرآنی می‌پردازند. گفت‌وگو با مصطفی اینانلو را در ادامه می‌خوانید.

■ **در چه شاخه‌ای از آموزش قرآن فعال هستید؟**
روخوانی، قرائت یا ...؟
□ روخوانی و تجوید و کمی قرائت.

■ **خودتان در کجا آموزش دیده‌اید؟**
□ در مؤسسه قرآنی نشر معارف اسلامی و حوزه علمیه تهران.

■ **اصولاً بچه‌ها از چه سن و سالی می‌توانند فراگیری قرآن را آغاز کنند؟**
□ از ده سالگی.

■ **روش شما در آموزش قرآن چگونه است؟**
□ بیان آیات زیبای قرآن با جذابیت خاص مثل داستان‌های حضرت یوسف و آیات بهشت. بعد، مطالعه و تحقیق مختصر بچه‌ها با ارائه کنفرانس در کلاس، شنیدن این آیات پر معنا و عمیق با لحن زیبا و دستگاه‌های قرائتی توسط استادان برتر نظیر

با مربیان یا والدین در میان بگذارند. داستان‌هایی مثل اصحاب فیل، زندگی حضرت ابراهیم - علیه السلام - و دیگر پیامبران برای آنان جذابیت خاصی دارد. از طرف دیگر، با روخوانی و حفظ سوره‌هایی مثل حمد و ناس و توحید و دیگر سوره‌های کوتاه که بچه‌ها شنیده و حتی گاهی آن‌ها را حفظ هم کرده‌اند، مسیر آموزش را دنبال می‌کنیم.

■ در هفته چند ساعت با مخاطبان کار و تمرین می‌کنید؟
□ دو ساعت.

می‌کنند، بهتر می‌توانند آموخته‌های خود را تمرین کنند. بدین ترتیب، حتی والدینی که با قرآن آشنایی دارند هم بهتر می‌توانند به سطح یادگیری فرزند خود پی ببرند. همچنین، بچه‌ها با نقل داستان‌های قرآنی در منزل، شور و هیجان خاصی پیدا می‌کنند و اعتماد به نفس خوبی در سخن گفتن به دست می‌آورند. ما از خانواده‌ها می‌خواهیم که در این زمینه همکاری مطلوبی داشته باشند. این نوع آموزش آثار خوبی دارد و حتی در مواردی باعث شده است که بزرگ‌ترها متوجه اشتباه خودشان در لحن و قرائت بشوند و بعد، این را به ما منتقل کرده‌اند.

■ با روش شما چه مدت طول می‌کشد تا بچه‌ها بتوانند قرآن را با تسلط کامل و به‌طور صحیح بخوانند؟

□ بسته به استعداد دانش‌آموزان بین دو تا چهار سال طول می‌کشد.

■ اگر معلمی بخواهد روش شما را دنبال کند، چه رهنمودهایی برای او دارید؟

□ حتماً در یک دوره کلاس استاد خدام حسینی در مسجد ابوذر تهران شرکت کند و خودش با قرآن به‌طور عمیق انس بگیرد ... در کلاس‌داری محبت و مهابت را دخیل نماید، اردو برگزار کند با استخر و سالن فوتسال و ... و در اردو فقط یک ساعت به تمرین بپردازند ... و هزاران کار دیگر که بماند. مهم رفاقت با بچه‌هاست که باعث می‌شود آن‌ها حرف‌های معلم را بپذیرند.

■ معمولاً تدریس دروس مختلف برای سنین پایین با بازی و سرگرمی توسط معلمان همراه است. به‌عنوان آخرین سؤال، لطفاً بفرمایید شما از چه بازی‌ها و سرگرمی‌هایی برای آموزش قرآن استفاده می‌کنید؟

□ ما همیشه سعی می‌کنیم آموزش برای بچه‌ها جذاب و لذت‌بخش باشد. فرض کنید با آن‌ها به اردو می‌رویم و چند ساعت بازی و تفریح داریم و یک ساعت هم قرآن کار می‌کنیم. گاهی مطالب را در قالب قصه و طنز مطرح می‌کنیم. انواع و اقسام بازی‌ها و معماهای قرآنی هم هست که خانواده‌ها می‌توانند از آن‌ها در اوقات فراغت استفاده کنند. برای مثال، در دوره‌های دوستانه و خانوادگی معماهایی را برای بچه‌ها طرح کنید و به آن‌ها جایزه بدهید. فیلم‌های قرآنی و نرم‌افزارهای متنوع هم که فراوان هست و می‌توان آن‌ها را روی گوشی‌های تلفن نصب و استفاده کرد.

■ از حضورتان در این گفت‌وگو سپاسگزاریم.

■ خانواده‌های شاگردان شما چه نقشی در این آموزش دارند و چگونه به یادگیری فرزندان خود کمک می‌کنند؟

□ با پیگیری کلاس از بچه‌ها و تقدیر و هدیه دادن به بچه‌ها به خاطر پیشرفت‌هایشان و کمک به تحقیقات... همچنین آموزش دادن بچه‌ها به پدر و مادر جهت مرور درس با تدریس آن ...

■ اشاره کردید که بچه‌ها آموخته‌های خود را در منزل به والدینشان تدریس می‌کنند تا از این طریق، فراگیری خود را هم تمرین کرده باشند. لطفاً در این باره و نحوه کار والدین و بچه‌ها بیشتر برای ما توضیح بدهید.

□ البته خانواده با خانواده تفاوت دارد. برخی

والدین یا بزرگ‌ترها انس و الفت بیشتر و آشنایی بهتری با قرآن دارند و در صوت و لحن و روخوانی تجربه دارند و برخی هم به دلیل مشغله‌های زندگی آشنایی و شناخت کمتری دارند اما به هر ترتیب، بچه‌ها وقتی چیزی را یاد می‌گیرند، دوست دارند آموخته‌های خود را در منزل عرضه کنند

تا مثلاً خواهر و برادر بزرگ‌تر یا والدین

بدانند که آن‌ها چه چیزهایی یاد

گرفته‌اند. گاهی در این رابطه

اتفاق‌های جالبی می‌افتد؛

اتفاق‌هایی شبیه وضو گرفتن

حضرت امام‌حسن مجتبی

- علیه‌السلام - و حضرت

امام حسین - علیه‌السلام

- و آن‌ها قرار بود این

دو بزرگوار را قضاوت کند اما

متوجه شد خودش در وضو گرفتن

اشتباه دارد. وقتی بچه‌ها در منزل

نقش معلم را برای دیگران ایفا





ترفندی کلیدی

برای ترویج کتابخوانی



حبیب یوسفزاده | سام سلماسی

تصویرگر



کتاب‌ها نگاه کنند و حسرت بخورند. به قول شاعر:

**گر باغبان بر روی ما بندد در گلزار را
ما را نگاهی بس بود از رخنه دیوارها!**

با این ابتکار، هم میراث بشری دست‌نخورده و تمیز می‌ماند و هم اشتیاق بچه‌ها به اوج می‌رسد و علاقه آن‌ها به مطالعه شدت می‌گیرد. این ترفند «حسرت‌آفرینی» چیزی نیست که ما از خودمان ساخته باشیم بلکه ریشه در اسطوره‌های کهن دارد. به‌طور مثال، کیکاووس با بستن پای عقاب‌ها و زدن چند تکه گوشت لخت بر سر نیزه، توانسته است توی سبد همایونی به پرواز درآید و در تاریخ هوانوردی گوی سبقت را از «برادران رایست» برآید. پس همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، این ترفندهای کاربردی امتحان خود را پس داده‌اند و می‌توانند الگوهای خوبی برای ما باشند. لطفاً اگر شما هم از این نوع شیوه‌های «کلیدی» اطلاعی دارید، در قالب عکس و کاریکاتور و خاطره به دفتر مجله ارسال کنید تا با اشاعه آن‌ها گام ناچیزی در گشایش قفل‌های بسته کتابخانه‌های بعضی مدارس برداریم.

انسان نخستین برای نگهداری دانش اولیه خود و رساندن آن به نسل‌های بعد، جایی غیر از قفسه سینه نداشت. پس قفسه سینه را باید پدر قفسه‌های کتابخانه‌های امروزی دانست اما شکی نیست که برای انتقال و مدیریت دانش در دنیای امروز، روش سینه‌به‌سینه دیگر جواب نمی‌دهد!

از آنجا که مردم بچه‌های خود را به ما سپرده‌اند تا چیزهای خوب در مخشان شکوفا کنیم، باید با ابزارهای باغبانی اندیشه آشنا باشیم. یکی از این ابزارها کتابخانه است. از نگاه یک مدیر خوب، کتابخانه جای بازیگوشی نیست. پس باید تا حد ممکن، قفسه‌های وسیعی از حل‌المسائل‌ها و بانک سؤالات امتحانی و کنکور برای کتابخانه تدارک ببینند تا خدای ناکرده امانت‌های مردم وقتشان را با خواندن شعر و داستان و این قبیل کتاب‌های حاشیه‌ای هدر ندهند!

در مرحله بعد، باید دقت کرد میراث گران‌بهایی که با خون دل و زحمت به دست آمده، به‌خوبی حفظ شود.

بنابراین، یک مدیر موفق و قفسه‌مدار هرگز کلید کتابخانه مدرسه‌اش را از خودش دور نمی‌کند بلکه با بهره‌گیری از تجربه‌های گذشتگان، بچه‌ها را در شش ماه اول سال تشنه نگه می‌دارد و کاری می‌کند که آن‌ها هر روز از سوراخ کلید به



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی دبستانی

به صورت ماهنامه و ۹ شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوآموز برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی متوسطه

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره اول آموزش متوسطه

رشد پسران برای دانش‌آموزان دوره اول آموزش متوسطه

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره دوم آموزش متوسطه

مجله‌های عمومی بزرگسال

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

• رشد آموزش ابتدایی • رشد فناوری آموزشی

• رشد مدرسه زندگی • رشد معلم • رشد آموزش خانواده

مجله‌های تخصصی بزرگسال

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

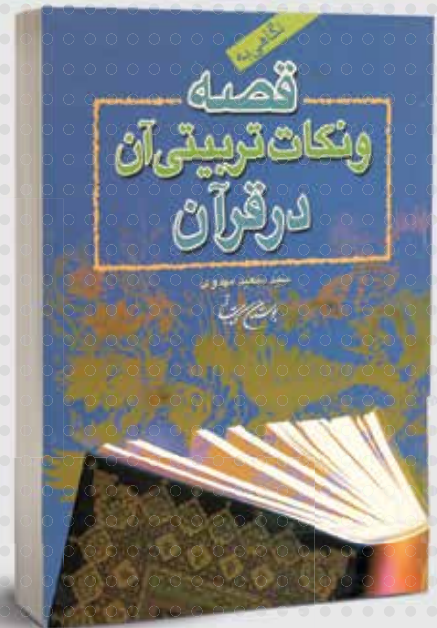
- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی • رشد آموزش پیش‌دبستانی • رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش تربیت بدنی • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش زبان‌های خارجی
- رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش • رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش هنر • رشد برهان متوسطه دوم
- رشد مدیریت مدرسه

مجله‌های عمومی و تخصصی رشد برای معلمان، دانشجویان معلمان، و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

• تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۳۷۸

• وبگاه: www.roshdmag.ir



نگاهی به قصه و نکات تربیتی آن در قرآن

مؤلف: سیدسعید مهدوی
ناشر: مؤسسه بوستان کتاب قم

«... قرآن، کتاب داستان نیست ولی از داستان در خدمت هدف و رشد دادن به عقول و افکار و جهت دادن به زندگی بشر استفاده می‌کند. هدف قرآن خروج از دایره تاریخ و ورود به شعاع قرآن است. هر قصه به تناسب مقام و موقعیت ویژه خویش، حاوی پیام‌های ارزنده‌ای است که در خور مطالعه و تأمل است.

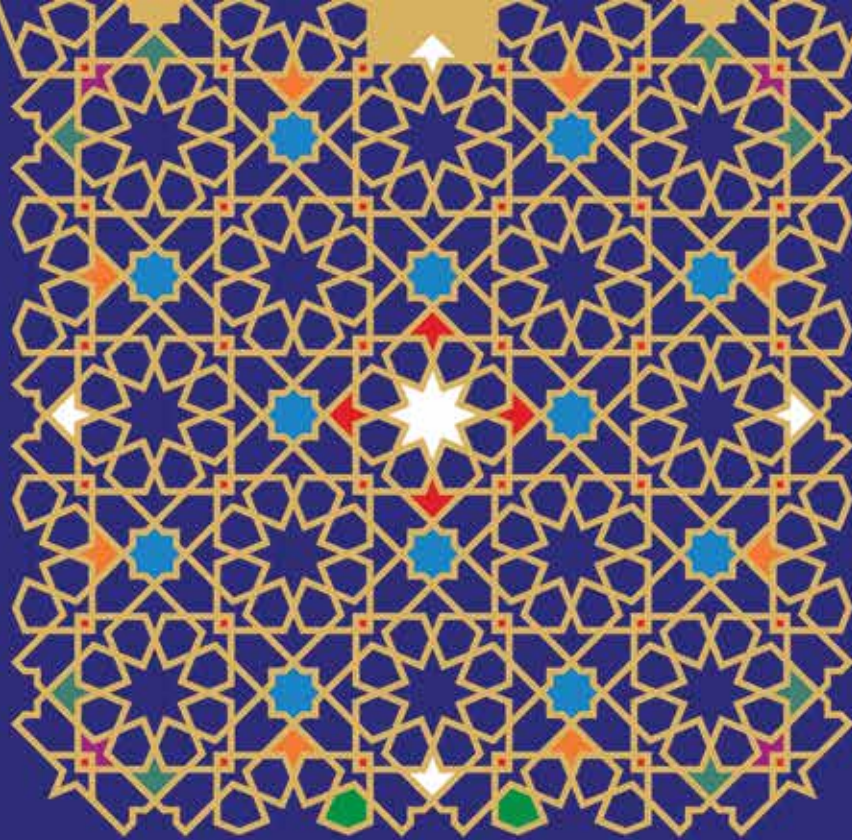
در هر داستانی، ظرایف و لطایفی وجود دارد و شناخت قصه‌نویس از روحيات و تمایلات انسان، بی‌شک در چگونگی عرضه آن داستان نمود پیدا می‌کند. آنچه در بررسی قصه‌های قرآنی، توجه انسان را سخت به خود جلب می‌نماید، انسان‌شناسی ویژه‌ای است که در لابه‌لای محاورات قهرمانان این قصه‌ها و رفتارشان در مقابل حوادث به‌دست می‌آید و مشهود است.

متأسفانه در این زمینه، منابعی که روی داستان‌های قرآنی کار تحلیلی و عمیق کرده باشند، بسیار اندک‌اند و همین مسئله کار بررسی آیات را مشکل‌تر می‌کند. ضرورت دارد متفکران اسلامی در پرداختن به این بخش از قرآن اهتمام بیشتری داشته باشند.»

آیا آنان که می‌دانند با آنان که نمی‌دانند، برابرند؟

— [سوره زمر، آیه ۹] —





تکلیف قرآنی

در خانواده‌ها عطر قرآن را در فضا منتشر کنید؛ قرآن را بخوانید و بخوانید؛ در قرآن تدبر کنید. دشمن نمی‌خواهد مسلمانان آیات قرآن را مثل عَلم در دست بگیرند؛ چون قرآن تکلیف‌ها را معین کرده است؛ تکلیف مسلمانان را، تکلیف جهاد را، تکلیف زندگی اسلامی و مرگ اسلامی را.

ما باید رابطه‌مان را با قرآن روز به روز مستحکم‌تر کنیم. در خانه‌ها قرآن بخوانید. حتی در هنگام بیکاری، چنانچه مختصر فراغتی پیدا می‌کنید، خودتان را به قرآن وصل کنید. هر روز مقداری قرآن بخوانید و آن را فرابگیرید.